

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۳۲ - ۹۱

## اهداف، اصول، روش و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر اندیشه عرفانی امام خمینی(ره)

۱ احیاء دکمائی

۲ جمشید صدری

۳ هاتف سیاهکوهیان

۴ سید حجت مهدوی سعیدی

### چکیده

در راستای شناخت و ترویج مکتب فکری و سیره عملی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و بازخوانی منظومه فکری معمار کبیر انقلاب اسلامی و با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر زنده‌نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و تربیتی و سیره عملی آن حضرت و بر جسته کردن نقش آن به عنوان معیار اساسی در تمام سیاست‌گذارها و برنامه‌ریزی‌ها و تسری آن در مجموعه ارکان نظام لازم می‌آید که در ابعاد تعلیم و تربیت عرفانی با همکاری دانشگاه و مجامع فرهنگی و مراکز علمی سراسر کشور و ایای فکری حضرت امام خمینی در این زمینه مورد پژوهش و تحقیق بیشتر قرار گیرد. موضوع تعلیم و تربیت اسلامی تحت عنوان حیات طیبه که در عرفان امام ریشه دارد، دغدغه همیشگی امام بوده، به طوریکه تعلیم و تربیت اسلامی رابطه تنگاتنگ با عرفان امام و منابع اصیل اسلام، یعنی قرآن و سنت که خواه ناخواه اثر مهمی بر تربیت اسلامی می‌گذارد. پژوهش حاضر قصد دارد ضمن تشریح اصول، روش و مبانی فرآیند تعلیم و تربیت از دیدگاه عرفانی امام تبیین نماید. در واقع نگارنده در صدد پاسخ‌گویی به این سوال است که اصولاً فرآیند تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس آموزه‌های عرفانی امام چگونه است؟ و بیان ارتباط میان مربی و متربی و همچنین بیان ویژگی‌ها و اهداف تعلیم و تربیت عرفان امام با استنتاج از اصول، روش و مبانی تشریح شده و تبیین خواهد شد. با انجام این پژوهش در صدد برداشتن گامی برای پر کردن خلأی است که در آموزش و پرورش با آن دست‌به‌گریبان است همان تعلیم و تربیت بدون معنویت و عرفان است. توجه به نیاز فرهنگی معاصر ایران، فرآیند تعلیم و تربیت با تاکید بر اندیشه عرفانی امام به روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی توصیفی در این زمینه مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌دهد.

### واژگان کلیدی

اخلاق، تعلیم و تربیت، عرفان اسلامی، اندیشه‌های امام خمینی(ره).

۳. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی (رشته ادیان و عرفان) دانشگاه آزاد قزوین، تاکستان، ایران.

Email: ahya.dakmaei@gmail.com

۱. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی و عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد قزوین، تاکستان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Sadri-jamshid@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد قزوین، تاکستان، ایران.

Email: siahkuhian.8949@yahoo.com

۲. استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد لاهیجان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰

## طرح مسأله

بررسی مسأله اصول، روش و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های عرفانی امام خمینی (ره) و ریشه‌های آن به نحو نظام مند و تبیین نقطه نظرها و جهان بینی عرفانی می‌تواند جنبه‌های جدیدی از دستاوردهای تعلیم و تربیت را در بستر گفتگوی میان جریان‌های عرفانی امام خمینی (س) که نشأت گرفته از قرآن و سنت و عقل است روشن نماید. همچنین با گسترش و پیشرفت جوامع انسانی لازم است برای مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و آسیب‌های اجتماعی و تقویت بنیه روحی و تهذیب نفس و رشد حیات طیبه و نفوذ اخلاق اسلامی ایرانی در رابطه با تعلیم و تربیت اسلامی - عرفانی علی‌الخصوص با آراء و نظرات امام (ره) استفاده کرده لذا با ریشه یابی اندیشه‌های تربیتی از دیدگاه‌های عرفانی حضرت امام از جنبه‌های نوآوری مسئله مزبور خواهند بود. هدف از این پژوهش معرفی نقش محوری تعلیم و تربیت با تأکید بر آرای عرفانی امام (ره) می‌باشد. امام (ره) احیای بود که ارزش تربیت را از طریق عرفان و اخلاق بیان نموده و با سیر سلوک به طور عملی به ظهور برساند.

بی تردید یکی از ابعاد فکری بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، که از بنیادی‌ترین رویکردهای ایشان می‌باشد، مقوله‌ی تعلیم و تربیت اسلامی - عرفانی و تزکیه‌ی نفس است که همواره و در همه‌ی مراحل زندگی بدان توجه ویژه مبذول نمود و در گونه‌های مختلف تدریس تدوین نوشته‌ها، تألیفات، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و... بر ضرورت و بایستگی طرح آن تأکید و پافشاری فرمود، از این رو می‌توان گفت حضرت امام خمینی (ره) پیش از آن که سیاست مداری قاطع و انقلابی باشد، یا به عنوان مرجعی تام، مرجعیت و زعامت دینی را معنایی تازه بخشد، مری بزرگ و معلم نمونه بود که توانست با دریافتی عمیق و ژرف از مبانی تعلیم و تربیت الهی، در میدان سخت مجاهده‌ی نفس خود را بیازماید و مراحل سیر و سلوک را با موفقیت پشت سر گذارد، و نیز به تربیت نسلی که بار اصلی انقلاب را بردوش می‌کشد، همت گمارد. و بر همین اساس، غایت و فلسفه‌ی بعثت را تربیت بشر معرفی فرمود: " انبیا هم که آمده اند از طرف خدای تبارک و تعالی برای همین تربیت بشر و برای انسان سازی است و فشرده‌ی تمام عالم است و انبیا

آمده اند برای این که عصاره ی بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجود الهی بشود. این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در او است و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است" (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۱۵۳)

### مبانی نظری

مکتب تربیتی امام خمینی (س) که در واقع همان تربیت اسلامی است، توجه به مبانی فکری و عرفانی است، که پشتوانه واقعی آن آراء تربیتی را تشکیل می دهد.. تربیت از دیدگاه امام (س) متضرع بر انسان شناسی است که آن نیز خود متضرع بر هستی شناسی و خداشناسی و به اصطلاح جهان بینی توحیدی است. جهان آفرینش بر پایه علم و حکمت استوار بوده و این همان علم و حکمت الهی است که در تحقق کل هستی، طبیعت و آفرینش انسان آشکار و ایجاد نظامی هماهنگ و هدفمند را سبب گردیده است. انسان به عنوان دایره مدار هستی و خلیفه الهی در پی کشف این نظام هدفمند و تدوین قانونمندی های آن در خود و سایر پدیده هاست، تا در واقع به جایگاه حقیقی خود قرب الی الله دست یابد.

### پیشینه پژوهش

در باره این موضوع پژوهشی در داخل و خارج کشور با این عنوان انجام نشده است. اما مقالاتی به صورت جزئی می باشد لازم به ذکر است، پس از جستجو در ایرانداک براساس موضوع عنوان شده پیشینه ای را در این رابطه نشان نداده است. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، برخی کتب و مقالات به نگارش درآمده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- اکرمی، سید کاظم (بی تا) «امام خمینی فیلسوف بزرگ تربیتی با تأکید بر روشهای تربیتی آن حضرت» (بی جا)
- بندرچی، محمد رضا (۱۳۸۲) «مکتب و روش اخلاقی امام خمینی (ره)» مجموعه مقالات کنگره اندیشه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۹۱) «پژوهشی در تدوین فلسفه تربیتی امام خمینی

- (ره) «تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی .
- بی‌آزار، شیرازی عبدالکریم (۱۳۷۳) «نقش تعلیم و تربیت در سعادت و شقاوت از نظر محقق خراسانی و امام خمینی (ره)» مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۲) «نظری بر اهداف تربیتی در دانشگاه‌ها از دیدگاه امام راحل حساسیت تعلیم و تربیت». مجموعه مقالات کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- رجبی، حسین (۱۳۸۲) «تأثیر نگرش دینی و عرفانی امام بر تعلیم و تربیت» مجموعه مقالات کنگره اندیشه‌های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- طباطبائی، فاطمه (۱۳۹۱) «آوای مکتوب: مروری بر آرای عرفانی و اخلاقی امام خمینی (ره)» ناشر: شرکت کار آفرینان فرهنگ و هنر .
- فریدونی، محمدرضا (۱۳۸۲) «روش‌های درمان رذایل اخلاقی از منظر امام خمینی (ره)» مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۲) «مبانی و اصول تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)» مجموعه مقالات کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- مصطفائی، عبدالمحمد (۱۳۹۷) «تأملی بر کاربرد تعلیم و تربیت در سیره عملی امام خمینی (ره)» ناشر آوای نور.

### روش تحقیق

تنها روش موثر و معمول برای گردآوری اطلاعات در چنین پژوهش‌های روش میدانی، کتابخانه‌ای است که در این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

## سوال تحقیق: آیا از آرا عرفانی حضرت امام اصول، روش و مبانی و تربیت اسلامی قابل است استخراج است؟

### ۱. اهمیت و ضرورت تربیت از منظر امام خمینی(ره)

امام خمینی در بیان اهداف، ضرورت و اهمیت تربیت عرفانی ارزش بسیار قائل است و توجه ویژه ای به امر تربیت معنوی داشتند و همواره از مغفول ماندن و جهت گیری نادرست آن ابراز نگرانی کرده اند. ایشان می فرماید: شناختن و شناسایی واقعی او در جهان دیگر است (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۴۹۹) آن قدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست. و آن قدر کهانان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است. از دیدگاه امام از تمام رحمت ها کامل تر، نعمت تربیت های معنوی است که مخصوص انسان می باشد، از قبیل فرستادن کتب آسمانی و انبیاء مرسلین علیهم السلام (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۰) به نظر ایشان اساس عالم بر کمال انسان است و انسان مطلوب نهایت همه امور است که مسئله ضرورت، اهمیت تعلیم و تربیت و غایت مندی آن را می نمایاند.

### ۱-۱. تنزل روحی از تربیت نشدن

به عقیده امام(ره) انسان موجودی است که اگر چنانچه مهار نشود و تحت تربیت واقع نشود، مثل یک علف هرزه است که هر چه بزرگ تر بشود به حسب سال و به حسب مقام بلند پایه تر می شود، ولی از جهات روحی تنزل می کند و آن معنویات تحت سلطه شیطان، شیطان بزرگ که همان شیطان نفس است واقع می شود. (همو: ج ۱۴، ص ۱۵۲-۱۵۳) آنچه انسان، این جنس قریب را از هم جنسان خود جدا می سازد، دارا بودن معنویاتی است که از جانب خداوند تعالی به او ارزانی شده است. از همه حیوانات، آدمی تنها حیوانی است که می تواند و باید تربیت شود. باید تربیت شود، چون بدون تربیت فاقد همه خصوصاتی که آدمیتش منوط بدان است خواهد بود. می تواند تربیت شود، زیرا وجه تمایز او از سایر حیوانات فنون، زبان و آداب و رسوم در امور اکتسابی

است و آدمی که در اصل فاقد آنها بوده آن‌ها را به طرق مختلف آموخته است. انسان موجودی تربیت پذیر است و چنان چه این تربیت در او صورت نگیرد، چه بسا از آن مرتبه روحی خود که در سلسله مراتب هستی جایگاه خلیفه الهی را دارد نزول کرده و حتی پایین‌تر از بهایم قرار گیرد و بالعکس چه بسا بر اثر تربیت صحیح ممکن است به جایی رسد که ترجمان رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

### ۱-۲. تزکیه آرمان بعثت انبیا

قرآن کریم در بیان هدف بعثت، اول تزکیه و تهذیب نفس را مطرح می‌کند و سپس تعلیم و آموزش را، امام (ره) نیز در برنامه تربیتی خود بر این اصل تکیه دارد که باید تربیت و تزکیه نفس مقدم باشد بر تعلیم. از منظر امام (ره) تمامی گرفتاری و آلام بشر در این است که تعلیم، مقدم بر تزکیه شده و وسیله، جانشین هدف گشته است. عواقب چنین امری، انسان عالمی است که تربیت نشده است (همو: ج ۱۴، ص ۳۹۱-۳۹۲) امام (ره) می‌فرماید: ما اگر چنان چه خودمان را تربیت کنیم، مشکلات مان همه رفع می‌شود، همه مشکلات از این است که ما تربیت نشده ایم، به تربیت الهی و تحت بیرق اسلام در نیامده ایم. به حسب واقع، همه این کشمکش‌هایی که شما ملاحظه می‌کنید همه این‌ها برای این است که تربیت نیست. «تزکیه نفوس به این است که خودخواهی‌ها، ریاست‌طلبی‌ها، دنیاطلبی‌ها از بین برود و به جای آن در دل، خدای تبارک و تعالی جایگزین گردد توضیح این که انسان عالمی که تزکیه و تربیت نشده باشد مثل این است که شمشیری را به دست انسان دیوانه ای بسپاریم او از علم خود که همان اسلحه اوست نه برای اصلاح امور دیگران، بلکه در جهت ضربه آوردن به منافع آنها بهره می‌گیرد. تمامی تلاش‌های امام از آن همه مجاهدت، ساختن خود و دیگران بود، و این تنها از راه تزکیه و تربیت می‌گذرد. تزکیه مقدم بر تعلیم می‌باشد. انسان شدن مقدم بر عالم شدن است. و در جای دیگر می‌فرماید: «تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا است که سرمنشأ همه کمالات و ارسته شدن نفس از تعلقات است و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است. توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسان‌ها باز می‌دارد و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی، انسان را به مقام

انسانیت می رساند. انبیاء هم برای همین دو جهت آمده بودند: بیرون کردن مردم از تعلقات و تثبیت به مقام ربوبیت.»

### ۱-۲-۲. مکتب تربیتی امام خمینی (ره) که در واقع همان تعلیم و تربیت اسلامی

با تعلیم و تربیت اسلامی است که انسان به خودسازی و سعادت و به ساحل آرامش نائل خواهد آمد، و این امر تنها در صورتی محقق می شود که تزکیه مقدم بر تعلیم در سرلوحه برنامه های تربیت عرفانی قرار گیرد. اسلام دین جامعی است و این جامعیت دال بر آن است که اسلام در نگاه به انسان همه جنبه های او را در نظر می گیرد. اسلام دینی است که انسان را در یک پیوستگی با موجودات عالم می بیند. این انسان به امتیازی که با دارا بودن عقل نسبت به موجودات دیگر دارد ما را به این مهم رهنمون می سازد که لازماً چنین موجودی باید به جایگاه خلیفه الهی که خداوند برای او مقرر کرده دست یابد، که هم سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی را برای او به ارمغان آورد. لازمه رسیدن به چنین جایگاهی، شناخت خداوند به عنوان تنها وجود حقیقی و رب یگانه و برگزیدن و تن زدن از غیر اوست. لذا با چنین نگاهی است که می توان تعلیم و تربیت اسلامی را چنین بیان کرد: شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان، برگزیدن او به عنوان رب خویش، تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است (باقری، ۱۳۷۰: ۵۴)

### ۱-۳. بشر و قابلیت تربیت

از ویژگی های مهم انسان، تربیت پذیری اوست که با توجه به برخوردار بودن از اراده و اختیار، قابلیت تربیت را دارد. اصولاً آمدن انبیا، خود دلیلی بر تربیت پذیری و اراده واقعی انسان است. نفس آدمی خوپذیر است. انسان همواره قابلیت تربیت را داراست و روحیه تربیت پذیری و تأثیریابی او هی چگاه به طور کلی از بین نمی رود. بر این اساس آدمی تا آخر عمر نیازمند تربیت است. از منظر امام (ره) در پرورش احساس مذهبی حتی انسان کافر و به دور از عقاید و جهان بینی اصیل الهی نیز قابلیت هدایت را دارد (امام خمینی ۱۳۷۹: ۶۷) و راه توبه و راهیابی او به پیشگاه نور، همواره باز است. امام (ره) در دیوان خویش در این رابطه می فرماید:

هان ای عزیز فصل جوانی بهوش باش در پیری از تو هیچ نیاید به غیر خواب  
(امام خمینی (۱۳۷۲: ۴۸)

تا چند ز دست خویش فریاد کنم از کرده خود کجا روم داد کنم  
طاعات مرا گناه باید شمری پس از گنه خویش چسان یاد کنم

(همو: ۲۲۴)

تنها مکتب تربیتی که همه جنبه‌های انسان را در نظر گرفته و او را به نهایت کمال و سعادت و نیز ساحل آرامش رهنمون می‌سازد، مکتب تربیتی اسلام است که از جانب خداوند متعال با آمدن آموزگاران چون انبیاء الهی، رسالت این مکتب تربیتی را بر عهده گرفتند. تنها در سایه این مکتب تربیتی است که انسان به این موقعیت نائل می‌آید که در اولین قدم در راستای علم، می‌بایست به شناخت خدا برسد و در آخر علم می‌بایست به این باور برسد که هیچ چیز نیست و هر چه هست خداست. اول العلم معرفت الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه سر آغاز علم، شناخت خداوند جبار و سرانجام آن، واگذاری امور به او است. اولین قدم در وادی تعلیم و تربیت، شناخت خدا و آخرین قدم، واگذاری امور به اوست و این همان تزکیه است که به فرموده امام خمینی (ره) تقدم بر تعلیم دارد و باید در سرلوحه برنامه تربیتی اسلام قرار گیرد. به زعم ایشان، خودسازی و انسان‌سازی از جمله مبانی تربیتی مکتب اسلام بوده و این باید از اهم رسالت‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی باشد. وی رسیدن به مدینه فاضله را تنها در گرو تربی‌های صحیح اسلامی انسانی همه افراد جامعه می‌دانست.

## ۲. اهداف و عناصر اصلی تعلیم و تربیت عرفانی از منظر امام خمینی (ره)

هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. در اندیشه تربیت امام هدف تربیت انسان الهی است تعیین می‌شود. و تربیت در مدار الهی هدف اساسی است امام می‌فرماید: انسان خلیفه خداست بر خلق او، و بر صورت الهی آفریده شده است، متصرف در بلاد خداست و خلعت‌های اسماء و صفات خداوندی را در بر کرده است و در گنجینه‌های ملک و ملکوت او نفوذ دارد، و روحش از حضرت الهیه بر او



دمیده شده، ظاهرش نسخه‌ای از ملک و ملکوت، و باطنش گنجینه‌های خدای لایموت. (امام خمینی (ره) ۱۳۷۶: ۳۵) از این رو است که: تمام انبیاء موضوع بحث‌شان، موضوع تربیت - شان، موضوع علمشان انسان است. آمده‌اند انسان را تربیت کنند. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه، مافوق جبروت برسانند. لذا: «هر کدام بچه دارید، تربیت کنید، تربیت الهی بکنید». (امام خمینی ۱۳۸۹: ج ۶، ۱۰۶) این هدف تربیت دقیقاً از انسان‌شناسی امام نشأت می‌گیرد. چون انسان را موجود الهی می‌دانند. از این رو، بنیاد - های تربیت از دیدگاه امام را می‌توان با شناخت انسان و توانمندی‌های او در این جریان همه موجودات غایت مند هستند و انسان به غایت خود که حیات طیبه است باید برسد. لذا عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت اسلامی عبارتند از:

## ۲-۱. شناخت (معرفت) خدا

در این ویژگی مقصود همان است که آدمی دریابد چرا ربوبیت در شأن خداوند است و چرا باید او را یگانه دانست. در شناخت انسان به این هدف که وجود خدا یک وجود مطلق و وجودی که در کائنات هستی سریان دارد و انسان هستی اش را وامدار این وجود حقیقی است، تأمل می‌گردد. او وجودش را از ذات حق گرفته و در راستای آن می‌بایست وجود خدا را به عنوان یک وجود حقیقی اقرار کند. امام خمینی (ره) معتقدند در جهان جز اراده خدا چیزی نیست و همه گونه آفرینش ها و تأثیربخشی، در اصل متکی به قدرت اوست (لا مؤثر فی الوجود الا الله) هیچ موجودی غیر از خداوند متعال، هیچ تأثیر و علیتی (نه بالذات و نه بالغیر و نه حقیقی و نه مجازی) ندارد. ایشان، وجود جهان و هستی آن، وجودی ظلّی و سایه گونه است و در واقع هستی آن مجزا، مستقل و غیروابسته نیست جهان نه تنها در پیدایش خود محتاج و وابسته به خداست، بلکه در همه لحظه های تداوم وجود خویش نیز محتاج به اوست که اگر لحظه های فیض حق دریغ شود، نابود خواهد شد در مکتب و حیانی، ذات حق در رأس همه موجودات عالم قرار دارد و بعد از آن به علم و اراده او سایر مخلوقات، صاحب رتبه و ترتیبی از او می‌شوند نسبت خدا به موجودات، نسبت ایجاد کردن و آفریدن و تکوین است و این قراردادی و اعتباری نیست. بلکه حقیقی و تکوینی است.

(شیراوند، محسن/عبدی، حمید ص ۳) تمام اهداف که انسان به دنبال آن است، به ویژه اهدافی را که در رابطه با خود، از جهت شناخت، تهذیب، تزکیه، شکوفایی استعدادها و... پیگیری می نماید، همه برای این است که زمینه شناخت حق تعالی را پیدا کند. امام می فرماید: تمام مقصد انبیا برگشتش به یک کلمه است؛ و آن، معرفه الله، تمام مقدمه این است. اگر دعوت به عمل صالح شده است، اگر دعوت به تهذیب نفس شده است، اگر دعوت به معارف شده است، تمام برگشتش به این است که آن نقطه اصلی را که در فطرت همه انسان ها هست، حجاب را ازش بردارند تا انسان برسد به او، و او معرفت حق است. مقصد عالی همین است. تمام انبیا از صدر بشریت، از آن وقتی که آدم علیه السلام آمده است، تا حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله تمام نبیا برای این بودند که جامعه و فرد را اصلاح کنند. فرد را فدای جامعه می کردند. ما افرادی بالاتر از خود انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام نداریم. این ها خودشان را فدا می کردند برای جامعه، تا جامعه اصلاح شود. و این نیز به آن معنی نیست که دست از فعالیت بردار و خود را مهمل بارآور و از همه کس و همه چیز کناره گیری کن و عزلت اتخاذ نما؛ که آن بر خلاف سنت الهی و سیره عملی حضرات انبیای عظام و اولیای کرام است (امام خمینی (ره) ۱۳۶۹: ۲۷) امام به رابطه بین علم و عمل و معرفت الله می پردازد، به این ترتیب که در مرتبه نخست، علم مقدمه عمل ولی در مرتبه بعدی، خود این عمل را وسیله و مقدمه معرفت الله می شمردند: علم عمل - ----- معرفت الله علم وسیله عمل است همه برای یک مقصدند، همه برای این است که بیدار بشود این نفس، از این حجاب‌هایی که همه برای مظلمانی است. (امام خمینی (ره) ۱۳۷۵: ۱۴۰) همچنین ایشان در عبارت دیگری، علم اخلاق را نیز مقدمه تهذیب نفوس می دانند که آن، خودنیز، مقدمه برای حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید است. (امام خمینی (ره) ۱۳۸۲: ۱۰) نتیجه بحث معرفت و شناخت خداوند به عنوان هدف اساسی در نوع ارتباط انسان با خدا، مطرح است و باید دانست که اگر کسی با قدم معرفت، سلوک الهی الله کند به هدف خود نخواهد رسید و در احدیت جمع، مستهلک نخواهد شد و پروردگار خود را به صفت اطلاق مشاهده نخواهد کرد، مگر آن که در مقام سلوک منزلها، درجه‌ها، مرحله‌ها و معراج‌های از خلق به سوی حق مقید را پشت سر

بگذارد... و از نشأه‌ای به نشأه دیگر و از منزلی به منزل دیگر منتقل شود، تا آن که به حق مطلق منتهی گردد. امام معرفت الهی را غایت خلقت می‌داند و سعادت می‌داند که از همه سعادات بالاتر است و بقیه امور وسیله و مقدمه‌ای برای آن هستند زیرا معرفت الهی نتیجه مطلوبه از عبادات تحصیل معارف و تمکین توحید و دیگر معارف است در قلب.

## ۲-۲. انسان شناسی (معرفت نفس یا خودشناسی)

انسان در مسیر تکامل خویش و در راه رسیدن به هدف نهایی تعلیم و تربیت عرفانی، باید از مسیر نفس خویش بگذرد؛ زیرا مبدأ افکار، آراء، عقاید و باورها و تمامی اعمال و رفتار بیرونی درونی انسان نفس اوست و کمال، سعادت، شقاوت، لذت و الم او نیز هرگز از حیطه نفس او خارج نیست. از این رو، راه و مسیر کمال و نیز راهی و رونده به سوی تکامل، نفس است و باید راه رونده، یعنی نفس، ساحت‌ها و شئون وجودی و کمال آن شناخته شود؛ زیرا بدون شناخت انسان به عنوان موضوع تربیت و مسیر کمال، امکان گذر از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب ممکن نیست. اگر خودشناسی به عنوان هدف اساسی تعلیم و تربیت مطرح است، برای این نیست که صرفاً انسان و ابعاد وجودی او شناخته شود و یک نوع آگاهی به دست آید، بلکه خودشناسی، مقدمه تربیت و خودسازی و پرداختن و به سامان رساندن انسانی اندیشمند، با اراده، آرمان خواه، خلاق و خداگونه است. امام (ره) علت عمده تباهی و انحراف و نابسامانی روحی و ایمانی آدمی را غفلت از خودشناسی و ناآگاهی از خود می‌داند و با استناد به روایت معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» چنین یادآور می‌شود «این که می‌بینید آدم اینقدر داد لمن الملک می‌زند، این قدر غرور پیدا می‌کند، برای این است که خودش را نمی‌شناسد. من عرف نفسه عرف ربه، نمی‌داند که خودش هیچ است. اگر باورش بیاید که هیچ است و پروردگارش را هم می‌شناسد. عمده این است که ما نه خودمان را می‌شناسیم نه خدا را، نه ایمان به خودمان داریم نه ایمان به خدا داریم، نه باورمان آمده است که خودمان هیچ هستیم، نه باورمان آمده است که همه چیز او است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۵۳). در جای دیگر می‌فرماید. همه انبیاء برای این معنا آمده‌اند که بفهمیم خودمان چی هستیم و دنیا چیست و نسبت به حق تعالی چه وضعی داریم. (همو: ۵۵) به گفته امام (ره) تنها کسی به خود ایمان و اعتماد

دارد که در مقام برقراری ارتباط مطلوب با خویشتن برآید و به مطالعه تمامی توانایی‌ها و امکاناتی که در او به ودیعه نهاده شده است پردازد و به خود به‌عنوان آیتی از آیات الهی و مناسب‌ترین وسیله خداشناسی بنگرد و عوامل رشد و سقوط خویش را بازشناخته، از امکانات و توانایی‌های خود برای رسیدن به مقام فناء فی الله و قرب الی الله بهره‌مند شود. ایشان در اثر گرانسنگ «مصباح الهدایه» درباره نقش خودشناسی می‌گوید: «آیا کتاب نفس خود را خوانده‌ای و در این نشانه بزرگ الهی تدبیر کرده‌ای؟ نشانه‌ای که خدای تعالی شناخت آن را نردبان شناخت خود و شناخت اسماء و صفات خود قرار داده است. (امام خمینی (ره)، فهری، ۱۳۶۰: ۸۱-۸۲) شئون وجودی انسان که پایه‌های تعلیم و تربیت اسلامی بر آن‌ها استوار است و باید شناخته شوند، عبارت‌اند از: عقل و اندیشه، اراده و اختیار، عواطف، تمایلات و گرایش‌های فردی، اجتماعی و مالی، قوای بدنی و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناسی. بی‌گمان شناخت امکانات و توانایی‌های انسان برای پرورش و رشد آن‌ها جهت اعتلای زندگی فردی، اجتماعی و مادی و معنوی انسان و رسیدن به مقام قرب الهی صورت می‌گیرد. به گفته امام (ره) تنها کسی به خود ایمان و اعتماد دارد که در مقام برقراری ارتباط مطلوب با خویشتن برآید و به مطالعه تمامی توانایی‌ها و امکاناتی که در او به ودیعه نهاده شده است پردازد و به خود به‌عنوان آیتی از آیات الهی و مناسب‌ترین وسیله خداشناسی بنگرد و عوامل رشد و سقوط خویش را بازشناخته، از امکانات و توانایی‌های خود برای رسیدن به مقام فناء فی الله و قرب الی الله بهره‌مند شود. ایشان در اثر گرانسنگ «مصباح الهدایه» درباره نقش خودشناسی می‌گوید: «آیا کتاب نفس خود را خوانده‌ای و در این نشانه بزرگ الهی تدبیر کرده‌ای؟ نشانه‌ای که خدای تعالی شناخت آن را نردبان شناخت خود و شناخت اسماء و صفات خود قرار داده است. شئون وجودی انسان که پایه‌های تعلیم و تربیت اسلامی بر آن‌ها استوار است و باید شناخته شوند، عبارت‌اند از: عقل و اندیشه، اراده و اختیار، عواطف، تمایلات و گرایش‌های فردی، اجتماعی و مالی، قوای بدنی و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناسی. بی‌گمان شناخت امکانات و توانایی‌های انسان برای پرورش و رشد آن‌ها جهت اعتلای زندگی فردی، اجتماعی و مادی و معنوی انسان و رسیدن به مقام قرب الهی صورت

می‌گیرد. امام معتقد است همه اهداف، وسیله‌اند برای اینکه طائرِ قدسی روح آدمی به عالم ملکوت و لقاء خداوند سبحان عروج کند و به مقام معنویت الهی فائز و واصل شود (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۱۹). از منظر علامه طباطبائی، هدف غائی تعلیم و تربیت بر اساس هستی‌شناسی خاص قرآن و هدف کلی همه آفرینش، قرب الی‌الله است. (طباطبائی، ۱۳۶۴: ۲۵۷، ۱) شهید مطهری نیز، این را دیدگاه قرآن دانسته است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۳).

انسان‌شناسی و معرفه‌الذات، در نظر امام خمینی (ره) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی همواره در نوشتار، گفتار و رهنمودهای خویش بدین مهم توجه ویژه‌ای داشته و ابعاد مختلف وجود انسان، حقیقت نفس و اهمیت آن را خاطر نشان ساخته‌اند؛ از جمله:

\* معرفت‌الذات، نفس نردبان راهیابی به آسمان معارف و حقایق است و کسی که نفس خویش را شناخت، خدای خود را شناخته است (امام خمینی (ره) ۱۳۶۰: ۱۸) از منظر تربیتی عرفان امام (ره) خودشناسی یک هدف است. هدفی که عمدتاً از طریق عشق پروری، تربیت اخلاقی، هنری و دینی حاصل می‌آید. خودشناسی یک هدف میانی است که راه وصول به آن نیز از طریق اهداف جزئی و کوتاه مدت یعنی همان عشق، اخلاق امکان پذیر می‌باشد. اگر به این هدف والا توجه کنیم به نیکی در می‌یابیم، بین آنچه که در نظام‌های رایج آموزش و پرورش جریان دارد و آنچه که مد نظر دیدگاه امام (ره) است چقدر فاصله و اختلاف وجود دارد.

## ۲-۳. پرستش حق

حضرت امام می‌فرمایند: تمام انبیا که مبعوث شدند، تمام کتب آسمانی که آمده‌اند، برای این است که این انسان را از این بتخانه بیرونش بیاورند تا این بت را بشکنند و خدا پرست بشود. همه انبیا آمدند برای این که این عالم را یک عالم الهی اش کنند، بعد از این که یک عالم شیطانی است. (امام خمینی (ره) ۱۳۷۵: ۱۲۵) یک آیه شریفه را اگر آدم باورش بیاید (اشکال سر باور است) اگر انسان باورش بیاید که همه حمد‌ها مال اوست، همین یک کلمه اگر باور آمد، تمام شرک‌ها از قلب انسان می‌ریزد... براهین این قدر نمی‌تواند هنر داشته باشد؛ خوب است، نمی‌گویم برهان خوب نیست، برهان باید باشد؛

اما برهان وسیله است؛ برهان وسیله این است که شما به حسب عقلمت یک مسأله ای را ادراک کنید و با مجاهده، ایمان به آن بیاورید .

## ۲-۴. عشق به حق

به طور کلی هدف غایی یا برترین هدف تربیت عرفانی از دیدگاه امام خمینی، با دیدگاه‌های فیلسوفان مسلمان تفاوتی ندارد و همه آن‌ها خدا را نه تنها مبدأ موجودات، بلکه غایت همه چیز و از جمله هدف نهایی خلقت و تربیت انسان می‌دانند او به شیوه عرفا از پرستش و عشق به خدا و یا نایل شدن به کمال انسانی سخن می‌گوید. بیانات عرفانی امام خمینی در اشعار و سخنان دیگرشان، بسیار پر جاذبه و شیواست؛ و گاهی که فارغ از مخاطبان و شرایط محدود کننده، از خدا و معشوق و معبود حقیقی سخن می‌گویند، بیاناتشان بسیار باشکوه و در اوج است. پرستش یک نوع گُرنش و تواضع در مقابل یک موجود با عظمت است؛ که البته می‌تواند همراه با محبت و عشق باشد، یا تنها از سر حیرت و احساس ضعف در مقابل آن عظمت بی نهایت انجام گیرد. که اگر پرستش عمق گرفت و ریشه در جان آدمی یافت و جلوه‌ها و زیبایی‌های معبود به چشم عابد نشست، این جا افزون بر عابد و معبود، تعبیر به محبّ و محبوب (یا عاشق و معشوق) هم می‌شود. عرفا، و از جمله حضرت امام خمینی، نه تنها شناخت و پرستش خداوند را لازم می‌دانند، بلکه این رابطه را به عشق و عاشقی در والاترین معنای آن، ارتقاء می‌دهند و هدف اساسی

خلقت و یا هدف نهایی تربیت انسان را رسیدن به این مرحله و پاک شدن از آنانیت خود و فنا شدن در خداوند و صفات او می‌دانند. دیوان امام خمینی سرشار از تعبیراتی چون عشق، دوست، یار و... می‌باشد که همه قابل انطباق بر خط سیر نهایی سلوک و مقصد نهایی استعدادهای بالقوه انسان می‌باشد. در این جا تنها به چند شعر پراکنده به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

فاطی! به سوی دوست سفر باید کرد      از خویشتن خویش گذر باید کرد  
هر معرفتی که بوی هستی تو داد      دیوی است به ره، از آن حذر باید کرد

(امام خمینی (ره) ۱۳۷۲: ۲۰۳)

به تو دل بستم و غیر تو کسی نیست مرا  
جز تو ای جان جهان دادرسی نیست مرا  
عاشق روی توام، ای گل بی مثل و مثال  
به خدا غیر تو هرگز هوسی نیست مرا  
(همو: ۴۱)

## ۲-۵. انسان کامل، دارای همه ابعاد وجودی

اگر انسان پس از برآوردن نیازهای طبیعی خود به اندازه نیاز، حرکت خود را مرحله به مرحله ادامه دهد و به اهداف انسانی الهی خویش نایل شود، می تواند همه ابعاد و جنبه های وجودی خود را پرورش دهد و به مرحله «انسان کامل» برسد. البته از این نظر که برخی از ابعاد و جنبه های وجودی خود را مهمل و بی مصرف و یابالقومه رها نکرده است، انسان کامل همه جانبه به شمار می آید، و الاً کامل شدن نیز مراتبی دارد که به برخی از مراحل والای آن، تنها پیامبران و اولیای الهی می توانند نایل گردند. حضرت امام در این زمینه می فرمایند: اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است، و نه دعوتش به خصوص مادیات است؛ هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده است که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد بسازند او را، تربیت کنند می توان گفت اسلام می خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشد به آن طور که هست بدهد، حفظ طبیعت دارد رشد طبیعی به او بدهد؛ حفظ برزخیت دارد رشد برزخیت به او بدهد؛ حفظ روحانیت دارد رشد روحانیت به او بدهد؛ حفظ عقلانیت دارد رشد عقلانیت به او بدهد؛ حفظ الاهیت دارد رشد الاهیت به او بدهد. همه حظوظی که انسان دارد و به طور نقص است، الآن نرسیده ادیان آمده اند که این میوه نارس را رسیده اش کنند؛ این میوه ناقص را کاملش کنند. آن که هدف نهایی یا برترین هدف تربیتی از دیدگاه امام خمینی، نایل شدن به کمال انسانی است؛ که در پرتوشناخت خداوند، اخلاص برای او، پرستش و در نهایت عشق راستین و شورانگیز نسبت به او حاصل می شود. انسان کاملی مطلوب نظر دین اسلام بوده و جلوه ای از تمام صفات حق تعالی و جلوه گاه نور مقدس حق الهی است. انسانی است که عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است. با این خصوصیات انسانی تعریف و هدف تربیت از دیدگاه امام، از قوه به فعل رسانیدن استعدادهای نهفته و متعال بشری، در جهت الهی شدن اوست و لذا تربیت عرفانی مطلوب ایشان، نظامی جهت دار است که جهت آن راه مستقیم الهی است.

## ۶. هدف نهایی تعلیم و تربیت عرفانی از منظر امام خمینی (ره)

خداوند بر او منت نهاده و پیامبران را فرستاده تا ابعاد گسترده و شئون گوناگون وجودش شکوفا شود و همه پدیده‌ها و ناپیداهای وجود او نمایان گردد و به بالاترین مرتبت و منزلت نایل آید، اهداف اش با اهداف نگرش که انسان را بی ارتباط با ملکوت و ارزشهای معنوی حیات اخروی می‌داند و کمال او بر اساس معیارهای مادی و بانفی ارزشهای روحی و حیات معنوی تفسیر می‌نماید، یکسان نخواهد بود. (دیوبی: ۱۳۸۰: ۸۲-۸۳)

اندیشه او در حوزه تعلیم و تربیت عرفانی با صبغه عرفان اسلامی می‌اندیشد و به انسان به عنوان بزرگترین آیات و مظاهر اسماء و صفات حق می‌نگرد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶۳۶) و همه پدیده‌های هستی و مراتب وجود را فقر محض و صرف ربط به ذات مقدس باری تعالی می‌داند قطعاً در شناخت و گزینش اهداف تربیتی، اطلاعات ارزشمند و کارآمدی را در اختیار ما قرار می‌دهد امام (ره) بر پایه نگرش عارفانه خویش، هدف نهایی تعلیم و تربیت را فناء ذاتی و صفاتی دانسته است. فناء یعنی از تاریکی‌ها، وابستگی‌ها و دلبستگی‌های مادی رها شدن، از غیر خداوند دل‌کندن و به سوی او پس از آنکه انسان سالک قدم بر فرق آئیت و انانیت خود گذاشت و در طلب مقصد اصلی و خداجویی، منازل و مراحل « که کمال مطلق و جمیل علی‌الاطلاق است توجه تام نمودن. ایشان در این باره می‌گویند تعینات را سیر کرد و قدم بر فرق هر یک گذاشت و حجب ظلمانیه و نورانیه را خرق نمود و دل از همه موجودات و کائنات برکند. و بت‌ها را از کعبه‌ی دل به ید ولایت مآبی فرو ریخت و وجهه دلش یک رو و یک جهت بی‌کدورت تعلق به غیر الهی شد و حال قلبش «وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض» شد و فانی در اسماء و ذات و افعال گردیده، پس در این حال به سمع حق بشنود و به بصر حق بیند و جز حق نیند و جز حق نشنود و چشمش و گوشش جز به حق باز نشود. (همو: ۵۹۲-۵۸۹).

هدف نهایی تعلیم و تربیت عرفانی باید دو ویژگی داشته باشد: نخست آن که در طبیعت و سرشت آدمی ریشه داشته باشد و اعتباری و قراردادی نباشد و دیگر آنکه فراحیوانی و فراانسانی باشد تا کمال غایی به حساب آید. این دو ویژگی در «فناء فی الله» نهفته است؛ زیرا از یک سو، آدمی عجیب فطرت اصلی و جبلت ذاتی، عاشق کمال تام



مطلق است و تمام حرکات جوهری و طبیعی و ارادی و جمیع توجهات قلبی و «تمایلات نفسانی به سوی جمال زیبایی جمیل علی الاطلاق است». (همو: ۱۲۷) «از این رو، هرچه از مُلک و ملکوت و زخارف دنیا دارا شود و هرچه کمالات نفسانی و یا کنوز دنیای و یا سلطنت و ریاست پیدا کند، اشتیاقش روز افزون گردد و آتش عشقش افروخته گردد و تعلق قلبش بیشتر شود و آرام نگیرد» (همان) زیرا بالفطره قلب بنی آدم متوجه به کمالی است که نقص ندارد و عاشق جمال و کمالی است که عیب ندارد و عاشق علمی است که جهل در او نیست و قدرت و سلطنتی که عجز همراه آن نیست و حیاتی که موت ندارد و بالاخره کمال مطلق معشوق همه است. (همو: ۱۸۴) بدین جهت، قلب آدمی در هیچ مرتبه از مراتب و در وهیچ حدی از حدود رحل اقامت نیاندازد و هر کس به فطرت خود رجوع کند می یابد که قلبش به هرچه متوجه است و به هر جا که دل سپرده است، اگر بهتر از آن را سراغ داشته باشد و یا احتمال دهد که «جمیلی دل فریب تر وجود دارد، دل را از اولی منصرف می سازد و به دیگری که کامل تر است متوجه مینماید». (همو: ۱۸۳) بنابراین فناء فی الله که هدف نهایی تعلیم و تربیت عرفانی اسلامی است، چون ریشه در فطرت دارد، همگانی و همیشگی است و برای یکایک افراد در همه زمان ها و مکان ها این هدف موجود است. از سوی دیگر، خداوند سبحان کامل مطلق و جمیل علی الاطلاق است و مبدأ و سرچشمه همه ارزش هاست و شایسته است که هدف نهایی باشد؛ زیرا در جمیع سلسله موجودات، موجودیکه کمال مطلق و جمال مطلق باشد جز ذات مقدس، مبدأ عالم جلت عظمته وجود ندارد و جز آن محبوب مطلق جمیل علی الاطلاق تصور ندارد. (همو: ۱۸۴) بنابراین آدمی باید در سیر نفسانی و معنوی خویش که مبدأش نفس و غایت آن ذات مقدس حق تعالی است هدف نهایی را گم نکند و به مراتب فنا دست یابد. (همو: ۵۹۰)

## ۶-۱. فنا و اقسام آن

از منظر امام فناء اسمائی قرب نوافل و فناء ذاتی قرب فرایض است. قرب نوافل و یا فناء اسمائی، امام خمینی (ره) و پایه فنا اقسامی دارد. امام (ره) فنا را به «اسمائی» و «ذاتی» تقسیم نموده است. مرتبت و مقامی است که عارف و سالک از خود بی خود شود و به سوی عالم کبریا سفر کند و به سمع حق بشنود و به بصر حق ببیند و به لسان حق نطق کند و

این مقام حاصل نشود مگر با جذبۀ الهیه و جذوه‌ی نار عشق... (همو: ۵۹۱) گفته اند کسی که به مقام فناء اسمائی برسد می تواند بدن خود را خلع نماید و در جهان تصرف نماید اما با این همه مرتبت فناء کامل نیست، چون عارف هرگاه به خود نظر کند که مورد عنایت خداوند قرار گرفته و نور الهی بر او تابیده شده، شاد می شود و این خود نقص است. فناء ذاتی، فناء اکبر است که انسان خود را در ذات خدا ذوب نموده و هستی همچون شب خویش را، در پیشگاه ذات ربوبی سوخته است. (همو: ۵۹)

گرهمی خواهی که بفروزی چو روز هستی همچون شب خود را بسوز  
 هستی ات در هست آن هستی نواز همچون مس در کیمیا اندر گداز

( مثنوی مولوی، دفتر اول، ص ۳۱۰ )

فاطمی! به سوی دوست سفر باید کرد از خویشتن خویش گذر باید کرد  
 هر معرفتی که بوی هستی تو داد دیوی است به ره، از آن حذر باید کرد

(امام خمینی (ره) ۱۳۷۲: ۳۴).

هدف نهایی تعلیم و تربیت عرفانی و کمال غایی انسان، بازیابی به مقام فناء فی الله است و این هدف، محور بنیادین تمامی اهداف تعلیم و تربیت اسلامی از منظر امام خمینی (ره) است. ایشان اهداف تعلیم و تربیت را که به سان مجموعه ای هماهنگ و مرتبط با یکدیگرند، حول این محور و بر پایه این هدف مشخص می کند و رابطه هدف نهایی با دیگر اهداف را ارتباطی طولی می داند؛ زیرا این هدف بر سایر اهداف پرتو افکن است و اگر تجزیه شود اهداف دیگر که زمینه ساز آن هستند خودنمایی می کنند.

خلاصه اهداف تعلیم و تربیت عرفانی امام خمینی در قلمرو معرفت شناسی بر تمهید لوازم اساسی پیوند انسان با رب، توجه ویژه به شناخت روح و توسعه کمالات معنوی همچون کرامت، آزادی آگاهی و امیال فطری که بالقوه در خلقت انسان به ودیعه نهاده شده است و او را به حق شایسته مقام خلیفه الهی و ولایت الهیه نموده است، و این هدایت آنها در مجاری قوانین الهی، از اهم اهداف تربیت در این قلمرو به حساب می آید. این اهداف حول دو محور هدف غایی و هدف کلی قابل طرح است. آن دسته از هدف‌هایی که ذاتاً مظلوبند در مقوله هدف غایی قرار می گیرند. اما آن دسته از هدف‌هایی که ذاتاً مطلوب

نیستند، و مطلوب بودن آنها از آن جهت است که مقدمه برای وصول به یک یا چند امر مهم-تر هستند، که در مقوله اهداف کلی یا واسطه‌ای جای می‌گیرند. منظور از هدف غایی عبارت از کمال نهایی آدمی است که تمام فعالیت‌های او از آن متاثر است. دیدگاه امام خمینی به عنوان یک زیر ساخت فکری در مناسبات انسانی توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی راجع به انسان عرفانی و اصول حاکم بر روابط متقابل او با خدا، دیگران و خود ارائه کرده است.

### ۳. اصول تعلیم و تربیت در اندیشه ی عرفانی امام خمینی (ره)

#### ۳-۱. تعریف اصول تعلیم و تربیت چیست؟

واژه ی اصل ، در زبان فارسی معادل واژه ی انگلیسی Principle است. گاه مقصود از اصل پنج ، بن و ریشه است به این معنا که برای بحث درباره ی هر چیزی باید به ریشه و اساس واقعی آن توجه شود. در این جا اصل در مقابل فرع قرار می گیرد. گاه اصل به معنای حقیقت و در برابر «باطل» استعمال می شود و در این استعمال «اصیل» در مقابل «بدلی» یا «ناخالص» به کار می رود. (باقری، خسرو، ۱۳۷۰ ش: ۶۸) با توجه به معنای «اصل» یعنی ریشه و اساس می توان گفت که اصل تربیتی ، ریشه وقاعده ای است که در جریان تربیت اجتناب ناپذیر است و به عنوان دستورالعمل کلی ، جریان تربیت را تحت سیطره و نقوذ خویش دارد و در صورتی که از آن تخطی شود دستیابی به هدف دچار مخاطره ی جدی می شود. دکتر شکوهی در مبحث اصول آموزش و پرورش می نویسد: اصول تعلیم و تربیت مریان به منزله ی ابزاری است که با استفاده از آن می توانند به موقع و در عین حال باروشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خویش را به نحو رضایت بخشی انجام دهند. (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۲: تعلیم و تربیت و مراحل آن) (کشاورز، سوسن، ۱۳۸۲: ۴۳۸) وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آنچه‌ان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی تواند در خلأ و بدون ضابطه ای مشخص ، آغاز و بی هدف پایان پذیرد. رفتارهای یکسان زیادی می توان یافت که خاستگاه واحدی ندارد و به منظور متفاوتی انجام می شود و احتمالاً نتایج مختلفی نیز به بار می آورند. اذعان به اینکه اصول هر علمی ، به منزله

ی ستون ها و پایه های ساختمان آن علم هستند که در استحکام و عمر آن علم نقش اساسی دارند و در واقع فعالیت ها و روش های هر علمی مبتنی بر اصول آن علم است. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۸). نتیجه بحث که تربیت به صورت مشخص حیات انسانی در چارچوب عرفانی خودش روشن می‌سازد، عناصری است که حول آن تربیت معنی پیدا می‌کند این عناصر در واقع شامل اصول، اهداف و روش‌ها و مبانی است که عنصر هدف را در چارچوب استنتاج اهداف را با نوع نگرش عرفانی امام مورد تبیین قرار دادیم. هدف از عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است که بدون آن، جریان پیچیده و دراز مدت نه فرجام روشنی و نه مسیر حرکت مشخصی خواهد داشت. اگر تعلیم و تربیت را تحول انسان از وضع موجود به وضع مطلوب تلقی کنیم، بدون شک این تحول نیازمند به آگاهی از هدف حرکت و یا مجموعه اهدافی است که جهت و مسیر حرکت و سرانجام منزل نهایی آن مشخص می‌سازد. که از وظایف تعلیم و تربیت اسلامی و عرفانی رسیدن به کمال و قرب الهی می‌باشد.

### ۳-۲. مهمترین اصول تعلیم و تربیت عرفانی امام(ره)

#### ۳-۲-۱. اصل اول توحید محوری یا خدامحوری

یکی از عام ترین اصول مأخوذ شده از نگرش عرفانی امام اصل خدامحوری است. امام این اصل را جوهره ی اساسی رفتار یک فرد دین دار می‌داند، که از این جنبه مهم ترین اصل ایجاد تمایز تربیت دینی و از دیگر رویکردهای تربیتی به شمار می‌آید. به طور مشخص مفهوم خدامحوری عبارت است از: «انجام و یا قصد انجام کلیه ی اعمال و رفتار انسان بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آن‌ها تعیین کرده است و به منظور کسب رضایت الهی». جریان این امر در عمل تربیتی ناظر بر نحوه ی عملکرد مربی بر اساس آن ملاک های خدامحورانه است. امام در یک سخنرانی خطاب به معلمان و مربیان فرموده اند: شماها که «مربی» هستید یا می‌خواهید تربیت بکنید فرزندان خودتان را یا جامعه را، باید توجه به آیه ی شریفه داشته باشید که اقرأ باسم ربك (علق (۹۶): ۱. می‌خواهید آموزش پیدا کنید، قرائت کنید، باسم ربّ باشد، با توجه به خدا باشد، تا تربیت الهی باشد... (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۵۹۷). (بختیار نصرآبادی، حسنعلی ۱۳۹۱: ص ۳۱۲) در دیدگاه تربیتی امام(ره) خدا محوری در تربیت، اصل است و هدف از خلقت انسان نه علم است، نه لذت و

نه چیره شدن بر طبیعت و قدرت، بلکه هدف را همان طور که قرآن بیان کرده است، قربالی الله و رابطه عبودیت می داند و به تعبیر شهید مطهری، قرآن می خواهد انسان را بسازد و به او آرمان و هدفی که فقط خدا است، بدهد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳، ۲۰۳) و خدا را محور تمام و تمام قرار نمی دهند و بیشتر به لایه های فکراستنباطی اکتفا نموده اند. شاید مهم ترین نقطه افتراق مکتب تربیتی امام با دیگر مکاتب تربیتی، نگاه به جهان و انسان باشد. برخی از مکاتب تربیتی با ارائه ی تفسیری متفاوت از انسان و جهان، تربیت را بر محوری غیر از خدا، از قبیل پرورش عقل و خرد، نیل به رفاه و آسایش، دستیابی به فضیلت اخلاق و غیره قرار داده اند، حتی دیدگاه حکمای بزرگی چون افلاطون و ارسطو نیز انسان را در سطحی گاملا متفاوت از سطح خدامحوری قرار می دهد. آن ها بیشتر مسائل تربیتی جامعه را از دید خرد گرایانه نگریسته اند. (مدلین، ۱۳۵۳: ۴۵) امام در این زمینه با ترسیم سیمای انسان در قالب این عبارات که: انسان خلیفه ی خداست بر خلق او، و بر صورت الهی آفریده شده است، متصرف در بلاد خداست و خصلت های اسماء و صفات خداوندی را در بر کرده است و در گنجینه های ملک و ملکوت و باطنش گنجینه های خدای لایموت. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶: ۳۵).

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی  
نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی  
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پیویم  
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی  
سنایی غزنوی

با توجه به برخوردار ی انسان از فطرت الهی، می بایست اساس برنامه ریزی های تربیت عرفانی و آموزشی به نحوی طراحی می گردد که از جهت معرفتی و گرایشی، بینش لازم را نسبت به خداوند ایجاد کند و عشق الهی و زمینه های گرویدن به او را فراهم سازد. در واقع، تربیتی که هماهنگ با فطرت باشد به وسیله ی خداوند صورت می پذیرد و لذا برای تحقق این امر، انبیاء مبعوث شده اند تا راه رابه انسان نشان دهند و او را به انجام اعمال صالح دعوت کنند. با خاتمه یافتن امر نبوت و امامت، بر مریبان اعم از پدر و مادر، معلمان و اساتید دانشگاه است که رسالت آنان را دنبال نمایند و به امر تربیت صحیح و مطابق با فطرت انسان بپردازند. در واقع «توحید ربوبی» سنگ بنای اعتقادی دین اسلام را تشکیل می دهد و جامعه اسلامی،

مقصود و منتهای امر تربیت شمرده می‌شود. در این راستا امام خمینی (ره) می‌فرماید: شمامعلمین و شما دانشجویان از همین راهی که انبیاء تعیین کرده‌اند، راه را طی کنید، همین راه خداست (خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ج ۱۳ ص ۱۷۴). چون باید مبتنی بر مبناهای وجودمتری باشند که ماهیتاً به عنوان سرآغاز اولین مرحله عمل تربیتی، مهم‌ترین نقش را در نظام تربیتی تبیین می‌کنند. با توجه به حاکمیت روح کلی دین بر ابعاد مختلف و عناصر گوناگون نظام فکری عرفان امام خمینی (ره) هر یک از عوامل رنگ دینی به خود می‌گیرد. اصل نیز که قانون حرکت و اعمال عناصر تربیتی است از این قاعده مستثنی نیست. لذا اصول نگرش عرفانی امام مطرح و مبتنی بر فضای تعلیم و تربیت آن دانست عبارت است از آن دسته قواعد و گزاره‌های کلی که از نگرش انسان شناسانه‌ی ایشان که برگرفته از دیدگاه فلسفی، دین، فضای عرفانی ایشان است استنباط کرد و امر تعلیم و تربیت را در پرتو آن تشکیل داد. از این رو بایدها و نبایدهایی که این اصول به منظور جهت‌دهی و هدایت جریان ارتقایی و تکاملی انسان از یک سو، و هدایت و جهت‌دهی امر تعلیم و تربیت از سوی دیگر تجویز کنند به عنوان معیارها و مقیاس‌های است که توسط دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر این اصول و جوه تمایز نظریه‌ی تربیت امام را از سایر مکاتب فلسفه‌ی تربیتی مشخص می‌سازد. (بختیار نصرآبادی، حسعلی، ۱۳۹۱: ۳۰۸)

### ۳-۲-۲. اصل تعبدمداری و خشوع

اصل تعبدمداری در دامنه‌ی تربیت از دوزاویه عمل تربیتی مری نسبت به متری و برنامه‌های تربیتی، مدنظر قرار می‌گیرد. تعبد در عمل تربیتی عبارت است از «به کارگیری دستورهای الهی (امرونی) در تربیت متری، اعم از اینکه دستورهای مذبور در گستره‌ی اهداف تربیت باشد یا در روش‌ها و یا هر یک از دیگر» از نظر قرآن فرد مؤمن تنها دلیل انجام عمل را اطمینان به سرچشمه گرفتن آن از جانب خداوند می‌داند و به صرف آگاهی از این نکته که عمل مذبور از دید الهی مطلوب یا غیرمطلوب است اقدام به انجام آن یا اجتناب از آن می‌کند. در قرآن آیاتی یافت می‌شود که گردن نهادن به عمل را صرفاً به امر الهی کرده است «وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ»: کسانی که ایمان آوردند از همان حق که از جانب پروردگارشان است پیروی کردند. (محمد ۴۷: ۳). منظور از اصل تعبد در برنامه

تربیتی ( مأخوذ از نگاه عبادی - عرفانی امام ) ، ایجاد و پرورش روحیه ی تعبد در مرتب است ، به نحوی که در او حالتی حاکی از اطاعت متواضعانه در برابر او امر الهی ایجاد کند . ثبات در اهداف کلی پیروی از قوانین مانند گار الهی ، انگیزش درونی ناشی از حضور خداوند نزد خود و کسب عزت نفس از طریق اتکا به خداوند و استغناء درونی از دیگران ، رهایی از احساس تنهای و بعضی دستاوردهای تربیتی خدامحوری و تعبدمداری اند . (بختیار نصرآبادی، حسنعلی، ۱۳۹۱: ۳۱۴). امام در مباحث معرفت شناختی فلسفی - عرفانی خود عنوان داشته اند که : من نیز چندان عقیده به علم فقط ندارم و علمی که ایمان نیاورد حجاب اکبر می دانم ، ولی تا ورود در حجاب نباشد خرق آن نشود ، علوم بذر مشاهدات است . ایمان به الله از سنخ علم و از کمالات مطلقه است . پس چون از کمالات است اصل وجود است ، و اصل حقیقت نور و ظهور است ، و آنچه غیر از ایمان و متعلقات آن است ، از سنخ کمالات نفسانیه ی انسانیه خارج است . (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ص ۴۵۷، ۵۳۰) میان دو علم « باطن » و « ظاهر » نه تنها تلازم وجود دارد بلکه این هر دو حقیقتی یگانه هستند ، چه تلازم متفرع بر اثبیت و دوئیت است و ظاهر و باطن دوروی یک سکه اند . از این روشریعت ف طریق منحصر برای رسیدن به « حقیقت » است و وصول به آن ممکن نیست جز بامشی بر طریقت شریعت ؛ چنانکه امام می نویسد : ... طریقت و حقیقت جز از راه « شریعت » حاصل نمی شود . و این « ظاهر » است که طریقت را برای « باطن » بوده و بلکه ظاهر غیر قابل انفکاک از « باطن » می باشد . بنابراین اگر کسی با مداومت بر انجام اعمال ظاهری و تبعیت از تکالیف الهی به « باطن » دست نیافت ، باید بدان آن طور که شایسته بوده بر انجام وظایف ظاهری از نورانیت الهی بهره ای نبرده است ، همچون بعضی از عوام صوفیه . (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰: ۲۲). می توان به این مهم دست یافت که به عقیده ی امام آنچه که می تواند انسان را از ظاهر به باطن سوق دهد تکیه به معرفت دینی و عبادی است ، که به طور اخص در بینهش امام تنهادر پرتور عمل به دستورات شرعی است . تربیت عرفانی در این زمینه ساختار جان و دل آدمی را صیقل می دهد و نگاه آدمی را به هستی ، نگاهی آرمان گرایانه می نماید که در این عرصه همه ی هستی را جلوه و تجلی حضور خدا می بیند . بی شک از نگاه امام انسان در پرتو فقر و وجودی که دارد می بایست به معنویت توأم با علم

بپردازد که این خود در تلازم یکدیگرند و یکی بدون دیگری معنی نخواهد داشت متربی مکتب امام در این عرصه حصول و حضوری است که می‌تواند حوزه و گسترش دانش خود را از عالم ماده به ماورای آن کشانده، حقایق عالم معنا را مشاهده گریاشد. امام خمینی (ره) در همین مضمون می‌فرماید: نفس انسانی چون آینه ای است که در اول فطرت، مصفی و خالی از هر گونه کدورت و ظلمت است. پس اگر این آینه ی مصفای نورانی با عالم انوار و اسرار مواجه شود که مناسب با جوهر ذات اوست کم کم از مقام نقص نورانیت به کمال روحانیت و نورانیت ترقی می‌کند تا آنجا که از تمام انواع کدورات و ظلمات رهایی یابد و از قریه ی مظلومه ی طبیعت و بیت مظلم نسبت خلاصی یابد و هجرت کند، پس نصیب او مشاهده ی جمال جمیل گردد و امر او بر خدا واقع شود. اگر مرآت مصفای نفس را مواجه با عالم کدورت و ظلمت و دار طبیعت در او اثر کند، او را ظلمانی و کدر کند، و غبار زنگار طبیعت و جه مرآت ذات او را فرا گیرد پس، از فهم و روحانیت کور شود و از ادراک معارف الهیه و فهم آیات ربانیه محروم و محجوب شود. و کم کم این احتجاب و حجب روز افزون گردد. تمام شرایع الهیه، مقصد اصلی آن‌ها همان نشر معارف است و آن حاصل نشود جز به علاج نفوس و طرد آن‌ها از ظلمت طبیعت، خلاص آن‌ها به عالم نورانیت. (امام خمینی (ره): ۱۳۸۲: ۲۷۰-۲۷۱).

### ۳-۲-۳. اصل فطرت مداری

یکی دیگر از اصول تربیت در نگرش عرفانی امام اصل « فطرت مداری » است. اهل لغت و تفسیر گویند: فطرت به معنای خلقت است « فطر » به معنای شق و پاره نمودن است؛ زیرا که خلقت پاره نمودن پرده عدم و حجاب غیب است مقصود از « فطرت الله » حالت و هیأتی است که خدای تعالی، خلق را بر آن نهاده که از لوازم وجود آن‌ها و از آن چیزهایی است که در اصل خلقت، خمیره آن‌ها بر آن مخمّر شده است. فطرت الهی از الطافی است که خدای تعالی به آن اختصاص داده بنی‌الانسان را از بین جمیع مخلوقات؛ و دیگر موجودات، یا اصلاً دارای چنین فطرت‌هایی نیستند، و یا ناقصند و حظ کمی از آن دارند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۱۸۰-۱۸۱) جمیع معارف حقه از اموری هستند که حق تعالی بندگان را بر آن مفضول فرموده است. برای تشخیص احکام فطرت باید دانست که



احدی در آن اختلاف ندارد؛ عالم و جاهل، وحشی و متمدن، شهری و صحرائشین در آن متفقند؛ هیچ یک از عادات و طریقه‌ها در آن راهی پیدا نمی‌کند. و خلل و رخنه‌ای در آن پیدا نمی‌شود دیگر امور فطریه عبارتند از احترام به منعم، احترام شخص بزرگ و عظیم، احترام فرد حاضر، حب عدل و خضوع در برابر آن، حب بقا و گریز از فنا، عشق به کمال مطلق، عبادت عظیم و منعم، ثنای معبود و... انسان فطرتاً به آنچه فاقد آن است کشش دارد؛ فطرت همچون عادت، مبدأ خلقیات است و خلق تبدیل پذیر می‌باشد. حضرت امام خمینی، نامه عرفانی خود به خانم طباطبائی را با «فطرت» آغاز می‌کند: از کجا شروع کنم؟ بهتر آن است که از فطرت باشد... (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸: ۱۲۳) امام اصل فطرت مداری را بسیار مهم می‌داند. لذا می‌فرماید: به لحاظ این که انسان با فطرت الهی خلق شده است، تربیت صحیح باید با توجه به فطرت در هماهنگی با آن باشد، تا بتوان انسان را به جهت خیر و سعادت سوق داد. در غیر این صورت انسان از فطرت خود منحرف می‌شود و در جهت انحطاط و تباهی حرکت می‌کند. تربیت چنانچه با فطرت هماهنگی داشته باشد تحقق اهداف دنیوی و اخروی را در فرد ممکن می‌سازد به عبارتی تربیت هماهنگ با فطرت است که فردهم به دنیا توجه می‌کند و هم به آخرت، البته باید دنیا را به عنوان وسیله عبور بداند، زیرا دنیا با این که در اصل وجود خود خیر است اما به دلیل ناپایداری بودن نباید تمام مساعی تربیتی در جهت تأمین آن باشد. (مصطفوی پور، محمدرضا ۱۳۷۳: ۴۱). امام با توجه به فطرتی که در خلقت انسان دارند، در تربیت نسل جوان هم می‌خواهند این منبع درونی کاویده شود و پرورش از درون جوان سرچشمه گیرد به همین مناسبت فرموده- اند: اگر چنانچه این اطفال را از اول یک نحو تربیت بکنند که در آن انحراف نباشد تربیت‌های مناسب با انسان باشد، مناسب با فطرت پاک انسان‌ها باشد... و این‌ها بعد که تحویل به جامعه داده می‌شوند و مقدرات جامعه قهرابه دست این‌ها سپرده می‌شود. با کمال یک کشور کشور نورانی، کشور انسانی [می‌کنند] و کشور را به فطرت الله تربیت می‌کنند. (امام خمینی (ره) ۱۳۸۹: ج ۱۴، ۳۳-۳۲) نفس انسانی چون آینه‌ای است که در اول فطرت، مصفی و خالی از هر گونه کدورت و ظلمت است. پس اگر این آئینه مصفای نورانی با عالم انوار و اسرار مواجه شود..... تا آنکه نفس، سجینی و از جنس سجنین گردد..... تمام شرایع

الهیة، مقصد اصلی آن‌ها همان نشر معارف است، و آن حاصل نشود جز به علاج نفوس و طرد آن‌ها از ظلمت طبیعت، و خلاص آن‌ها به عالم نورانیت. (امام خمینی (ره) ۱۳۸۲: ۲۷۰-۲۷۱) نفس کودک در ابتدای امر چون صفحه کاغذ بی نقش و نگاری است که هر نقشی را به سهولت و اسانی قبول کند.... اطفال را معلومات یا اخلاقی که در اول صباوت حاصل شده است تا آخر کهولت باقی و برقرار است و نسیان به معلومات زمان طفولیت کمتر راه پیدا کند.... و اگر در این مرحله سهل انگاری و فتور و سستی شود، چه بسا طفل بیچاره را کار به رزائل بسیار کشد و منتهی به شقاوت و بدبختی ابدی او شود. (همو: ۱۵۴). اهتمام امام رحمه الله بر تزکیه نفس و آراسته نمودن خود و دیگران به حلیه محاسن و مکارم اخلاقی در همه آثار ارزنده ایشان مشهود است. و از نیک مرد با فضیلتی چون او که زبان ایشان مشهود است. و از نیک مرد با فضیلتی چون او که زبان امثال من یارای وصف خصال و سجایای او را ندارد، امری طبیعی و بدیهی است.

اوست روح الله، آری زان که خلقی بی شمار از دم قدسش مسجود همه دنیاستی او قفس را در گشوده، کز قفس آبی برون تو بدین خود را فریبی کاین قفس زیباستی امام می فرماید: به جای رفع حجب به جمع کتب پرداختم که گویی در کون و مکان خبری نیست جز یک مشت ورق پاره که به اسم علوم انسانی و معارف الهی و حقایق فلسفی، طالب را که به «فطرت الله» مفظور است، از مقصد باز داشته و در حجاب اکبر فرو برده، اسفار اربعه با طول و عرضش از سفر به سوی دوست بازم داشت، نه از فتوحات فتحی حاصل و نه از فصوص الحکم حکمتی دست داد، چه رسد به غیر آن‌ها که خود داستان غم انگیز دارد. (امام خمینی (ره) ۱۳۶۸: ۱۰) گاه مخاطب معلوم را در نظر دارند و حتی به نامش می خوانند، و نصایح پدران می گویند، ولی هر خواننده مشتاقی از آن فطرت های پاک هم سنخ و هم سخن هستند و گویی از یک مشرب سیراب می شوند. غیر از اشعار امام که طبعاً ترجمان دل پر نور ایشان است، نامه های عرفانی از این قبیل است، خطاب دخترم! و یا پسرم! که منحصر و محدود به یک تن نیست، خطاب به همگان است. چون مناسب فطرت است: دخترم مغرور به رحمت مباش که غفلت از دوست کنی، و مأیوس مباش که خسر الدنیا و الآخرة شوی. پسرم! چه خوب است به خود تلقین کنی و به

باور خود بیاوری یک واقعیت را که مدح مداحان و ثنای ثناجویان چه بسا که انسان را به هلاکت برساند و از تهذیب دور و دورتر سازد. (امام خمینی (ره) ۱۳۶۹: ۳۱) کوشش ایشان در بیدار کردن « وجدان » مخاطب است، محاسبه نفس، تصفیه باطن، زدودن زنگار غفلت نفاق دورویی شرک و کفر از آینه دل از جمله نصایح پدران و مشفقانه ایشان است. تعبیر و تفسیر دقیق و لطیفی که از « امانت الهی » به عنوان فطرت، و نیز وصف فطرت به « نور » اراده « ایمان » از آن، هر یک نیازمند بحثی است، در عبارت گزیده ذیل هم به نور فطرت که به صورت « امانت الهی » در دل انسان تعبیه شده، اشاره فرموده و هم از استعداد دریافت انوار الهی برای قلب بی آرایش و پاک سخن می گوید .

### ۳-۲-۴. اصل کمال پذیری و کمال خواهی انسان

یک اصل در تربیت عرفانی، کمال پذیری انسان است «انسان به حسب فطرت اصلی و جبلت ذاتی، عاشق کمال تام مطلق است و شطر قلبش متوجه به جمیل علی الاطلاق و کامل من جمیع الوجوه است». (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۱۲۷) بدین خاطر کمال خواهی ریشه در عمق وجود انسان دارد؛ به طوری که بدین خاطر کمال خواهی ریشه در عمق وجود انسان دارد؛ به طوری که « اگر در تمام دوره های زندگانی بشر قدم زنی و هر یک از افراد... طوایف و ملل را استنطاق کنی، این عشق و محبت را در خمیره او می یابی و قلب او را متوجه کمال می بینی » (همان، ۱۸۲) عشق به کمال، تمام شئون زندگی را در بر می گیرد و محرک اصلی تمام تلاش ها و کوشش ها است؛ به طوری که اگر در « افکار و کردار بشر نیک بنگریم، خواهیم دید که تمام حرکات و سکانات و زحمات و جدیت های طاقت فرسا که هر یک از افراد این نوع در هر رشته ای واردند و مشغولند، عشق به کمال، آن ها را به آن وا داشته است» در اصل کمال، رسیدن به غایت مطرح است و این غایت، بارشدا انسان از طریق بارور شدن فطرت اولیه می گردد. یکی از وظایف پیامبران، دعوت مردم به سوی کمال بوده است؛ در نتیجه مریبان نیز باید در عرصه های مختلف تربیتی، توجه به این اصل داشته باشند و انسان را در جهت کمال واقعی از سوق دهند. آنچه که انسان را به سوی کمال رهنمون می سازد تعلیم و آموزش جهت دار و تربیت در جهت تحقق فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی است تا بدین وسیله فرد به کمال مطلق برسد. در همین

راستا امام خمینی (ره) می‌فرماید: معلم اول خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به وسیله انبیا و به وسیله وحی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، دعوت می‌کند به عشق، دعوت می‌کند به محبت، دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است، دنبال انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند. (امام خمینی (ره) ۱۳۸۹: ج ۹، ۲۹۱) انسان در اول پیدایش، پس از طی منازل، حیوان ضعیفی است که جزء به قابلیت انسانیت امتیازی از سایر حیوانات ندارد.... پس، انسان بالفعل است در ابتدایی ورود در این عالم، و در تحت هیچ میزان جز شریعت، حیوانات، که اداره غضب و شهوت است، نیست... و اگر تحت تأثیر مربی و معلمی واقع نشود، پس از رسیدن به حد رشد بلوغ یک حیوان عجیب و غریبی شود که در هر یک از شئون مذکوره گوی سبقت از سایر حیوانات و شیاطین ببرد تربیت آدمی مستلزم تحول و صیروت نفس در قلمرو شناسایی (هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی) و آرمانی است. حقیقت انسان (نفس) ذو مراتب است و برای هر مرتبه‌ای تربیتی لازم است. به طور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است و از برای هر یک از اینها کمال خاصی و تربیت مخصوصی است و عملی است مناسب با نشئه و مقام خود و انبیا (ع) متکفل دستور آن اعمال هستند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۳۸۶)

نفس ناطقه انسانیه حقیقتی است که در عین وحدت و کمال بساطت دارای نشئاتی است که عمده آن به طریق کای سه نشئه است: اول، نشئه ملکیه دنیاویه ظاهره که مظهر آن حواس ظاهره، و قشر ادنای آن بدن ملکیه است. دوم، نشئه برزخیه متوسطه که مظهر آن حواس باطنه و بدن برزخی و قالب مثالی است. سوم، نشئه غیبیه باطنیه است که مظهر آن، قلب و شئون قلبیه است. و نسبت هر یک از این مراتب به دیگری نسبت ظاهری و باطنی و جلوه و متجلی است؛ و از این جهت است که آثار و خواص و انفعالات هر مرتبه‌ای به مرتبه دیگر سرایت می‌کند؛ چنانچه اگر مثلاً حاسه بصری چیزی را ادراک کند، از آن اثری در حس بصر برزخی واقع شود به مناسبت آن نشئه؛ ..... و همین طور آثار قلبیه در ذو نشئه دیگر نیز ظاهر گردد. لذا نفس انسانی به تدریج که از عالم طبیعت بالاتر می‌رود به واسطه حرکت جوهری؛ طبیعت را کنار زده و پرده‌های آن را می‌شکافد و اعتنا به جسمانیت

نمی‌کند و متوجه سطح بالاتر می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۸۵-۸۶) در تعلیم و تربیت عرفانی اصالت به کمال جویی داده می‌شود و در متون عرفانی یکی از درس‌های اساسی به شمار می‌آید، در متون درسی که باید بخشی از آن عملی باشد می‌توان از راهکارهای عرفانی در این راه استفاده نمود. بخش عمده‌ای از این آموزش‌ها مطالعه راه‌های رسیدن به کمال و موانع آن است.

نار خندان، باغ را خندان کند      صحبت مردانت، از مردان کند  
گر تو سنگ صخره و مرمر شوی      چون به صاحب‌دل رسی، گوهر شوی

(مثنوی معنوی، دفتر اول، ب-۲-۷۲۱)

### ۳-۲-۶. اصل تقدم تزکیه بر تعلیم

قران کریم، هدف بعثت انبیا را ابتدا تزکیه و سپس تعلیم مطرح می‌نماید: «یزکیهم ویعلّمهم الكتاب» آل عمران (۳): ۱۶۴. امام خمینی (ره) هم در برنامه‌ی تربیتی عرفان خود تزکیه را مقدم بر تعلیم می‌داند، زیرا در صورت فقدان تزکیه، علم - حتی اگر علم توحید هم باشد به درد نخواهد خورد. تاجایی که می‌فرمایند: آن کسی که دانش دارد لکن داشتش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست این دانش موجب که ضررش بر ملت و کشور زیادتر باشد از آن‌هایی که دانش ندارند. (امام خمینی (ره) ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۳۱۰). تزکیه قبل از تعلیم و تربیت است. (همو: ج ۱۲، ۴۹۴). امام در تقدم تزکیه بر تعلیم را به عنوان یک اصل راهبردی می‌فرماید: کوشش کنید که تربیت بشود قبل از این که تعلیم تعلم باشد. کوشش کنید که همدوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد که او مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت. (همو: ج ۱۰، ص ۴۷۰). انسانی که می‌تواند در پاسخ‌گویی به امیال نفسانی از حد لازم تجاوز نکند و به هنگام تعارض خواست‌های متعالی و نفسانی، خواست‌های متعالی خود را مقدم دارد انسان مذهب و تزکیه یافته است. بنابراین «تزکیه» رامی‌توان به مجموعه‌ی فعالیت‌هایی تعریف کرد که در فرد ملکه‌ی تقوی پدید می‌آورد تا در مقام عمل از حد و اخلاقی و شرعی تجاوز نکند. اگر کسی دارای چنین ملکه‌ای باشد توانایی حاصل از علم برای او مبارک خواهد بود در غیر این صورت مصداق «چودزدی با چراغ آید - گزیده تبرد کالا» خواهد شد.

علم نورا است، ولی درد سیاه و قلب فاسد دامنه‌ی ظلمت و سیاهی را گسترده ترمی سازد. که انسان را خدانزدیک می‌کند، در نفس دنیا طلب باعث دوری بیشتر از درگاه ذی الجلال می‌گردد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲: ۱۸). نتیجه‌ی حاصل از این سخنان این است که فرد در مقام عالی مسئول تربیتی نسبت به خود و نهادهای تربیتی باید همواره با توجه به هدف غایی و اهداف اجتماعی، زمینه را برای پرورش اخلاقی و معنوی متربیان فراهم آورد و به انتقال مفاهیم علمی و تحقق صوری اهداف اجتماعی مانند تربیت متخصصان و امثال آن بسنده نکنند. لذا باید: «در زمینه‌ی تهذیب و تزکیه‌ی نفس و اصلاح اخلاق برنامه‌ی تنظیم کنید». (همان، ص ۲۳). رعایت این اصل بسیار سازنده و سخت است، زیرا رعایت جنبه‌های ارزشی در تربیت عرفانی مریبان و حفظ روحیه‌ی آزاداندیشی علمی به طور هم زمان کاری ظریف و پیچیده است. امام خمینی (ره) در عین صلابت در بحث علمی طلبگی حفظ حریم و کوشش در جهت تربیت آنان خود یک تکلیف است و عامل به آن تکلیف در تقرب به خدا موفق تر است.

### ۳-۲-۷. اصل متربی محوری و فعال بودن متربی

یکی از شاخصه‌های مهم در کارآیی هر نظام تربیتی میزان واقع نگری و تاکید آن بر متربی و خود فعالی فرد است. تربیت در صورتی که بر مدار نیازها و ویژگی‌های انسان باشد، مستلزم هیچ گونه فشار و نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود در او نیست. لذا تربیتی که از خود آغاز می‌گردد در فرد سیر می‌کند و به او ختم می‌شود. تربیت عرفانی در عین حال که انسان را به سوی خدا سوق می‌دهد، تامین کننده نیازهای فرد است؛ دیدگاه تربیتی امام که همان دیدگاه و نگرش قرآن است در باره تعالی جوی انسان به سوی خدا، که با توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های حاکم بر فرد تبیین می‌شود و هرگز خارج از استعداد و آمادگی او تکلیفی بر او تحمیل نمی‌شود. و هر قدر نفس علائق خود را کم کند و به خود متوجه شود، قوه نفسانیه زیادتر بوده و قوه عاقله بیشتر و محکم‌تر می‌شود. (امام خمینی ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۳۰) البته در دورانی که مزاج غلبه داد باید کنترل بیرونی در تربیت لحاظ شود و زمینه شکوفایی فطرت فراهم گردد چون انسان با فطرت به صورت بقوه متولد می‌شود و این تربیت است که می‌تواند این استعداد را به سمت شکوفایی سوق دهد که جهت شکوفایی

فطرت، تزکیه مهمترین عامل می‌باشد. ویژگی‌های مهمی را می‌توان در خصوص دو عنصر اساسی تعلیم و تربیت معلم، متربی مطرح ساخت. در عرفان امام، مقام معلم همچون مقام رسالت انبیا در نظر گرفته شده است، لذا موضوع کار او چرورش انسان کمال یافته مد نظر اسلام است. از این رو معلم می‌بایست با تأسی از روش کار انبیا در ادای وظیفه خویش تلاش نماید و اولین وظیفه او این است که قبل از پرداختن به تربیت دیگران خود تربیت شده و در جریان امر باشد. به عبارتی معلم آن کسی است که از لحاظ معرفتی، مذهب و از لحاظ علمی برتر و سر مشق دانش آموز می‌باشد.

#### ۴. روشهای اخلاقی و تعلیم و تربیت عرفانی امام خمینی (ره)

تعلیم و تربیت نقش اساسی در حل مشکلات جهانی دارد، زیرا تربیت به آرامی و به صورت سیر تکاملی موثر می‌افتد و مدینه فاضله را آنآ ایجاد نمی‌کند. داروهای سحر آمیز نمی‌دهد و وعده‌های بی‌قید و شرط عرضه نمی‌دارد. تربیت مستلزم کوشش و انضباط است. تربیت بشر را متوجه امکانات خلاقه خود می‌کند، تربیت در واقع موثرترین حربه بشر برای بقای اوست در این بین روش‌های تعلیم و تربیت عرفانی چشمگیر به نظر می‌آید که همانا راه رسیدن به قرب الهی هموار می‌کند. روشها در زمینه‌های مختلفی کاربرد دارند. از جمله در انتقال مفاهیم، ایجاد عادت‌های ذهنی و مهارت‌های فکری، ایجاد مهارت‌های عملی، پدید آوردن نگرش‌های کلی، ایجاد روحیات مناسب برای حرکت به سوی اهداف، روشنگری در باب اهداف از نظر امام (ره) قرب خداوند هدف غایی در تعلیم و تربیت ایشان محسوب می‌شود به طوری که مربیان و نهادهای تربیتی جامعه فعالیت‌های خود را تقرب‌متریبان به خداوند می‌دانند و متربی خود آگاهانه در فعالیت‌های تربیتی و آموزشی مشارکت می‌کند و هدف او از این مشارکت رسیدن به هدف غایی یعنی قرب خداوند است. بررسی روشهای تربیتی از دیدگاه اندیشه‌مندی همچون امام خمینی (ره) قاعدتاً نمی‌تواند به محدوده روش‌های آموزش مفاهیم و امثال آن تعلق گیرد چرا که روش‌های از این دست نوعاً در سیره آموزشی ایشان در زمان تدریس در حوزه‌ها قابل جستجوست و متأسفانه جز مقداری خاطرات شاگردان ایشان در این زمینه، منبع دیگری در اختیار ما نیست. ولی ایشان در دو مقام دیگر به استفاده از روش‌های تربیتی مبادرت کرده‌اند که دارای اهمیت فراوانی

است. این دو مقام عبارتند از مقام معلم اخلاق و مصلح اجتماعی. اگر به سخنان و عملکرد ایشان در این دو مقام توجه کافی نمائیم خواهیم توانست روش‌های را از سیره عملی ایشان استنباط کنیم.

#### ۴-۱. روش امید آفرینی

در سیره تربیت عرفانی امام خمینی (ره) همواره امیدآفرینی و استفاده از روش‌های ایجابی را مقدم بر روش‌های سلبی می‌یابیم. ایشان با تفکیک افراد به دو گروه مغرض و افراد بی‌غرض، استفاده از روش‌های سلبی را دربارهٔ گروه دوم کاملاً ناروا و در مورد گروه اول هم فقط در صورت ضرورت روا می‌دانند. ایشان خود دربارهٔ درس اخلاقی که در حوزهٔ علمیه قم داشته‌اند می‌گویند هرگاه از رحمت خداوند سخن می‌راندم و می‌دیدم که قلب‌ها نرم می‌شود و اشک‌ها جاری می‌گردد. ایشان با این سخن بر سازندگی روش ایجابی تأکید می‌کنند. همچنین سلوک ایشان در مقام مصلح و رهبر سیاسی و اجتماعی همواره حکایت از مقدم داشتن روش محبت و امیدآفرینی دارد. ایشان همواره عملکرد مثبت مردم را مورد تشویق قرار می‌دادند و از خوبی و وفاداری مردم به اسلام سخن می‌رانند و جز در برابر معاندان تهدید به برخورد سلبی نمی‌کردند. ایشان حتی در برخورد با معاندان فریب‌خورده از راه نصیحت وارد می‌شدند و به آنان امید می‌دادند که راه برای توبه و بازگشت باز است. چنانکه در وصیت‌نامهٔ سیاسی الهی ایشان، فریب‌خوردگان گروهک‌ها مورد خطاب پدران قرار می‌گیرند و آخرین تلاش را برای هدایت آنان بالحنی مهرآمیز و مصلحانه انجام می‌دهند. استفاده از همین روش به ایشان توفیق بالایی در حفظ وفاداری مردم و قدرت شگرفی در بسیج توده‌های مردم به سوی اهداف تربیتی و اجتماعی می‌داد. مکمل این روش تحول محتوی می‌باشد.

#### ۴-۲. روش انکار عادات ذهنی و عملی

یکی از موانع حرکت انسان به سوی هدف غایی و دیگر اهداف تربیت عرفانی و اجتماعی تأکید بر عادت‌های ذهنی و عملی است. عادات ذهنی مانع درک صحیح واقعیت خارجی است و عادات عملی هم گاه موانعی عینی برای تحقق اهداف می‌شوند. امام خمینی (ره) به شاگردان خود همواره شجاعت نقد آراء گذشتگان را القاء می‌کرده‌اند و در



سایه همین ویژگی چنانکه مشهور است درس ایشان مجتهد پرور بوده است. حریت علمی محصول بکارگیری این روش است. درباره نفی عادات عملی آنگاه که مانع رسیدن به اهداف اصیل باشند هم سلوک سیاسی ایشان شاهد مناسبی است. فتوهای شجاعانه ایشان که پدیدآورنده رفتاری ظاهری خاصی در جامعه می شد نیز گواه همین حقیقت است.

#### ۴-۳. روش جامع و همه سونگر

یکی از روش های اخلاقی امام این است که در طرح و ارائه مسائل اخلاقی و تربیتی، فکری جامع و همه سونگر داشت و انسان را موجودی چند بعدی می شناخت، در روش اخلاقی اش به همه ابعاد وجودی انسان توجه داشت و از کسانی که با پرداختن به یک بعد و نادیده گرفتن جنبه های دیگر انسانی، او را موجودی ناهماهنگ و ناهنجار میسازند، با تاسف شدید گله می کرد مع الاسف،... اسلام همیشه مبتلا بوده به این یک طرف دیدن ها. همیشه یک ورق را گرفته اند و آن ورق دیگر را حذف کرده اند، یا مخالفت کرده اند، یک مدت زیادی گرفتار عرفا بودیم... آن ها خدمتشان خوب بود؛ اما گرفتاری برای این بود که همه چیز را بر می گردانند به آن ور (معنویت) یک وقت هم گرفتار شدیم به یک دسته دیگری که همه معنویات را بر می گردانند به این طرف، اصلاً به معنویات کاری ندارند... اسلام همه چیز است آقا. اسلام آمده انسان درست کند و انسان همه چیز است؛ همه عالم انسان است. آن که مربی انسان است، باید همه عالم را آشنا بر آن باشد... تا بتواند این انسان را به مدارجی که دارد، برساند. لولا الظاهر لما وصل سالک إلى کماله، و لا مجاهد إلى مآله. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶: ۶۲) اگر مراعات ظواهر نباشد، هرگز سالک به کمال، و کوشش کننده به مقصود نخواهد رسید. وی ضمن دعوت به تزکیه و تهذیب درون، انسان ها را از جامعه دور نمی ساخت؛ بلکه بر این باور بود که می توان در میان جمع بود و هوای جانان داشت. او که «سفر من الخلق الی الحق» را به پایان رسانده بود، دوباره با خدا در میان خلق گام نهاد و مکتبی را پی ریزی کرد که در در تربیت و تهذیب انسان نه او را به انزعال و مردم گریزی می کشاند، و نه از معنویات تهی می کرد؛ بلکه شعاع روش تربیتی و اخلاقی اش، شعاع ابعاد وجودی انسان، گسترده و فراگیر بود.

## ۵. مبانی تعلیم و تربیت اسلامی - عرفانی از منظر امام خمینی (ره)

اساس و مبنا اهداف تعلیم و تربیت عرفانی امام خمینی مبتنی بر توحید و رسیدن به قرب الهی است که همه عناصر در عالم دارای یک وحدت و هماهنگی می‌باشند و به سوی یک هدف واحد در حرکتند. در تبیین عناصر تربیت عرفانی امام به بنیادها و مبانی تربیت امام در قالب و چارچوب توحید و قرب الهی نظر انداخته شود، تا سرانجام تعلیم و تربیت از نگاه ایشان به مثابه یک کل متعادل جلوه گر شود و بسیاری از نارسایی‌ها که ناشی از نوع تفکر غیر توحیدی است، از حوزه تعلیم و تربیت خارج گردد. تحقق این امر مستلزم حاکمیت روح رسیدن به قرب الهی بر همه اجزاء و عناصر تعلیم و تربیت خواهد بود، لذا می‌توان مبانی تعلیم و تربیت عرفانی امام را به دو بخش تقسیم نمود. بخش اول مبانی تعلیم و تربیت عرفانی - اخلاقی بخش دوم مبانی تعلیم و تربیت عرفانی - ویژگی فطری

### ۵-۱. مبانی تعلیم و تربیت عرفانی و اخلاقی از منظر امام (ره)

#### ۵-۱-۱. جهاد اکبر

جهاد با نفس یا جهاد اکبر در بیان امام خمینی (ره) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در همین راستا است که امام در مواظ و تعالیم اخلاقی و تربیتی، به اصلاح خویش قبل از اصلاح دیگران عنایت و توجه ویژه داشتند و شروع از خود را به عنوان یک اصل موضوعی که پایه و اساس تعالی فرد و جامعه است جانمایه کلام نورانی خود قرار می‌دادند. و در کتاب ارزشمند جهاد اکبر یا مبارزه با نفس قدم اول در سلوک فردی را یقظه دانسته و می‌فرمایند: «تا کی می‌خواهید در خواب غفلت به سر برید و در فساد و تباهی غوطه ور باشید؟ از خدا بترسید، از عواقب امور پرهیزید، از خواب غفلت بیدار شوید. شما هنوز بیدار نشده‌اید، هنوز قدم اول را برنداشته‌اید. قدم اول در سلوک یقظه است، ولی شما در خواب به سر می‌برید، چشم‌ها باز و دل‌ها در خواب فرو رفته است. اگر دل‌ها خواب آلود و قلب‌ها بر اثر گناه، سیاه و زنگ زده نمی‌بود این گونه چنین آسوده خاطر و بی تفاوت به کارها و گفتار نادرست، ادامه نمی‌دادید..» امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲: ۳۶. ایشان خودسازی را وجه تمایز انسان اسلامی و انسان استعماری دانسته و می‌فرمودند: «اول خودتان را اصلاح کنید. اول مهذب شوید و

تعلیمات اسلامی که برای آدم سازی است را عمل کنید که ما بعد از مدتی متحوّل شویم به انسان هایی که اسلام می خواهد، نه انسان هایی که استعمار می خواهد». (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۹، ص ۱۷) از دیدگاه امام (ره) اگر توانستیم قبل از اصلاح دیگران به اصلاح خویش دست یابیم بی گمان به فتح الفتوح و جهاد اکبری دست یافته و قدمی اساسی برداشته ایم و چون حوزه های علمیه و دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی که رنگ و بوی فرهنگی دارند و به عنوان هدایت گران و رهبران فکری جامعه می توانند نقش اصلاح، ارشاد و هدایت داشته باشند پیش و بیش از هر قشر و صنفی به اصلاح نفوس خویش پردازند، لذا با تأکید بر این امر مهم همواره متذکر می شوند باید اهل علم و طلاب... در خلال تحصیل، اصلاح خود کنند و آن را، حتی الامکان بر جمیع امور مقدّم شمارند که این از تمام واجبات عقلیه و شرعیه واجب تر و سخت تر همین است. (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹: ۵۰)

### ۵-۱-۲. پرده ظلمت و نور

از دیدگاه امام خمینی (ره) آلودگی روحی، رذایل اخلاقی، معاصی قلبیه و قالیبه، کلیه امور دنیویه و توجه به غیر خدا، حجب ظلمانی و نورانیه ای هستند که باید به واسطه ریاضات علمیه و عملیه، زدوده شوند تا کمال انقطاع حاصل گردد. از نظر ایشان موانعی که بر سر راه خودسازی قرار می گیرد تنها علقه های مادی نیست، چه بسا اندوخته های ذهنی و علمی نیز مانع رشد و رقاء انسان می گردد. ایشان در کتاب جهاد اکبر این هشدار و تنبیه تکان دهنده را می دهند که چه بسا شریف ترین علم چون علم توحید برای شخص حجاب شود و به جای قُرب وی به خدا موجب بُعد او از حق تعالی گردد. ایشان در همین اثر شریف و مبارک می فرمایند: توجه به غیر خدا، انسان را به حجاب های ظلمانی و نورانی محجوب می نماید. کلیه امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند متعال شود، باعث حجب ظلمانی می شود. تمام عوالم اجسام حجاب های ظلمانی می باشد و اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت که است، باشد حجاب های ظلمانی به حجب نورانی مبدل می گردد و کمال انقطاع آن است که تمام حجاب ظلمانی و نورانی پاره و کنار زده شود تا مهمانسرای

الهی که معدن عظمت است بتوان وارد گردید.» حتی تخرق ابصارالقلوب حجب النور فصل الی معدن العظمه». ولی کسی که هنوز حجاب های ظلمانی را پاره نکرده کسی که تمام توجه او به عالم طبیعت است و منحرف عن الله می باشد... در اسفل سافلین که آخرین حجب ظلمانی است قرارداد: «ثم رَدَدْنَا أَسْفَلَ سَافِلِينَ» در صورتی که خداوند عالم، بشر را در عالی ترین مرتبه و مقام آفریده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» کسی که از هوای نفس پیروی می کند و از روزی که خود را شناخته به غیر عالم ظلمانی طبیعت توجهی ندارد در حجاب ظلمانی فرو رفته، «مصدق أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ» گردیده است. او با آن قلب آلوده به گناهی که در پرده ظلمانی پوشیده شده و روح گرفته ای که بر اثر کثرت گناه و معصیت از حق تعالی دور گشته، نمی تواند از حجاب های ظلمانی برهد، چه رسد به اینکه حجب نورانی را پاره کرده، انقطاع الی الله حاصل نماید. « ( امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۳۲۷). امام (ره) علاوه بر پرداختن به زدودن پرده های ظلمانی و نفسانی که مانع رشد و شکوفایی فطرت بشر هستند، اساساً معتقد بودند هر، چیزی را که مانع کمال و عامل ذلت انسان گردد، حجاب محسوب می شوند. لذا می فرمایند: در رفع حجب کوش نه در جمع کتب. اگر کتب عرفانی را از بازار به منزل و از محلی به محل دیگر انتقال دادی، یا آنکه نفس خود را انبار الفاظ و اصطلاحات کردی و در مجالس و محافل آنچه در چپته داشتی عرضه کردی؟ آیا با این محموله های بسیار، به حجب افزودی یا از حجب کاستی؟ خداوند عزوجل برای بیداری علماء آیه شریفه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ» را آورده تا بدانند انباشتن علوم، اگرچه علم شرایع و توحید باشد، از حجب نمی کاهد، بلکه افزایش می دهد و از حجب صغار به حجب کبار می کشاند.

## ۲-۵. مبانی تعلیم و تربیت عرفانی فطری از دیدگاه امام خمینی (ره)

منظور از مبانی تربیتی، ویژگی های فطری شناختی و گرایشی است که در انسا نها به صورت واقعی وجوددارند و زیربنایی برای تربیت محسوب می شوند. اهداف و اصول تربیت به صورت مستقیم و روش ها و فنون تعلیم و تربیت با واسطه اصول، از آنها کشف می شوند نظرات امام خمینی درباره انسان که ویژگی های شناختی و گرایشی

فطری آدمی، همان مبانی انسان شناختی تعلیم و تربیت در نظر امام (ره) است عبارتند از:

### ۵-۲-۱. ارتباط پیوسته با خدا

امام خمینی (ره) فطرت آدمی ذاتا دین‌گرا است. خدا را می‌شناسد؛ به او گرایش و تمایل محبتی دارد و او را باور داشته و شایستگی پرستش را با همه وجود احساس می‌کند؛ و نیازمندی خود را به خدا می‌یابد و می‌داند بدون او، با خلأ جدی در زندگی خویش روبه‌رو خواهد بود (امام خمینی ۱۳۷۹: ۱۸۲-۱۸۰) رابطه فطری در تعلیم و تربیت این است که شناخت حضوری به مبدأ هستی تقویت و ارتقاء یابد، معرفت حصولی نسبت به خدا، نقش او در نظام عالم و زندگی آدمی و آشنائی با نعمت‌ها و الطاف خداوندی به انسان افزایش یابد و چگونگی شکوفاسازی گرایش و میل قلبی به برقراری رابطه عاطفی با او و خضوع عاطفی و عملی در برابر وی و انجام عبادت، آموزش داده شود.

### ۵-۲-۲. در جستجوی کمال

انسان کمال‌خواه است. در فطرت آدمی میل و استعداد هر کمالی وجود دارد. استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در انسان به ودیعه گذاشته شده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۲۷۲) اگر ما طبق همین فطرت پیش برویم به کمال مطلق می‌رسیم. در بیانی دیگر: «یکی از فطرت‌هایی که جمیع انسان‌ها مخمّر بر آن هستند و یک نفر در تمام عائله بشر پیدا نمی‌شود که بر خلاف آن باشد و هیچ یک از عادات و اخلاق و مذاهب و مسالک و غیر آن، آن را تغییر ندهد و در آن خللی وارد نیورد، فطرت عشق و کمالاست... هر یک معشوق خود را در چیزی یافته، و یا کعبه آمال خود را در چیزی توهم کرده و متوجه به آن شده و از دل و جان آنرا خواهان است» (همو: ۱۵۶) ویژگی فطری کمال‌خواهی انسان از میل به ارتقاء و پیشرفت کمالی در درجات نامحدود حکایت دارد؛ و با این میل و گرایش، برای رسیدن به خداوند و قرب به او سعی خود را به کار می‌گیرد. چنان که در قرآن آمده است (انی وجّهت وجهی للذی فطر السموات و الأرض (انعام/ ۷۹) عشق به جمال مطلق، علم مطلق، قدرت مطلق، اراده مطلق و... همگی از شعبه‌ها و شاخه‌های همین عشق به کمال است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۱۸) این ویژگی است که باعث می‌شود انسان از نقص و ناقص بودن فرار کند و بگوید: «انّی للاحبّ الّآفلین» (انعام/ ۷۶) اگر ما مشاهده می‌کنیم که

برخی به سوی نقص در حرکت هستند به این منظور است که در انتخاب کمال خویش دچار سر در گمی شده‌اند. این میل، روی آوردن به کمال حق و مصادیق کمال واقعی و بازشناسی آنها از وهم‌های دروغین است که باید در نظام تعلیم و تربیت به آن اهمیت داده شود.

### یافته‌ها

از آرا عرفانی حضرت امام اصول، روش و مبانی و تربیت اسلامی قابل استخراج می‌باشد نکته مهم در فهم اصول تربیتی این است که در تربیت عرفانی، یک چرخه سه مرحله‌ای میان مبانی، اصول و روش‌های تربیتی ترسیم می‌کنند. مبانی گزاره‌های توصیفی ناظر به واقع هستند که بیانگر بعدی از واقعیت‌های جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، روان‌شناختی و سایر امور هستند. بر اساس این واقعیت‌ها، که مبانی نام دارند، می‌توان اصول و قواعدی کلی به دست آورد که این اصول به نوبه خود منشأ استخراج روش‌های تربیتی برای رسیدن به اهداف تربیتی مورد نظر می‌شوند. بر این پایه، اصول تربیت عرفانی حد فاصل مبانی و روش‌ها هستند. از یک سو، از مبانی اخذ می‌شوند و از سوی دیگر، خود خاستگاه روش‌ها هستند. با این توضیح مراد ما از «اصول تربیت عرفانی امام»، قواعد عام و کلی است که با عنایت به مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی عرفانی به دست می‌آیند و خود برای یک مربی عرفانی می‌تواند زاینده روش‌هایی باشد که به تربی عرفانی کمک می‌کند تا مراحل، منازل و مقامات سلوک را طی کرده، به سر منزل مقصود برسد. به همین ترتیب اصول تربیت اخلاقی نیز قواعد کلی و توصیفی‌اند که از مبانی تربیت اخلاقی استنتاج و منشأ اتخاذ روش‌های تربیت اخلاقی هستند.

نکته دیگر دقت و تأمل در اهداف، اصول و برنامه‌های حاکم بر نظام آموزش و پرورش ایران به خوبی نشان می‌دهد که خودشناسی هدفی است که مورد غفلت قرار گرفته است. این امر به نوبه خود موجب شده که در عرصه عمل یعنی آنچه که در مدارس اتفاق می‌افتد، هیچ بویی از خودشناسی به مشام نمی‌رسد. در مدارس تنها گامی کوچک در جهت خویش‌شناسی و خویش‌شناسی برداشته شده و تمامی تلاش و برنامه‌های آنها حول و حوش توجه به عالم بیرون و شناخت جهان خارج است. آنچه که اهمیت دارد پیدا کردن امور

بیرونی است و آنچه مورد غفلت قرار می‌گیرد دنیای درون است. بین ترتیب به جای این که دانش آموزان قدم به قدم به اصل خود نزدیک شده و خویشتن را در یابند، رفته رفته از خود بیگانه می‌شوند این از خود بیگانگی بعضاً تا جای پیش می‌رود که دانش آموز دیگر قادر نیست احساسات و حالات درونی‌اش را درک کرده و به ندهای باطنی خویش گوش فرا دهد. در این حالت، آنچه که دانش آموز در باره خود می‌داند، دانشی محدود، سطحی، ظاهری، دانشی که اصل وریشه درونی ندارد.

### نتیجه‌گیری

در تعلیم و تربیت عرفانی امام اصالت به تحول درونی و معنوی انسان داده می‌شود و در کنار آن به یادگیری و آموزش نیز پرداخته می‌شود. به همین دلیل باید سازمان آموزش و پرورش را براساس این هدف با ارکان‌هایی جدید طراحی نمود. با سرلوحه قرار دادن یکی از تعالیم مبنایی امام در عرفان تحقق می‌یابد با محوریت این روایت که از من اخلص لله اربعین صباحاً جرت ینابیع « پیامبر (ص) نقل گردیده، قابل اجرا می‌گردد هر کس چهل شبانه روز، خود را برای خدا خالص کند، «الحکمة من قلبه علی لسانه چشمه‌های معرفت و دانش از درون قلبش می‌جوشد و بر زبانش جاری می‌گردد. برنامه‌های آموزشی بایستی در دو بخش برنامه ریزی گردد، بخشی به ایجاد خلوص و بخشی به یادگیری و آموزش‌های عمومی اختصاص داشته باشد. آن وقت مدرسه به محلی برای انسان‌سازی تبدیل خواهد شد. تصفیة درون و پاکی از خصلت‌های ناپسند یکی از اهداف اصلی در تعلیم و تربیت عرفانی امام است. در تعلیم و تربیت عرفانی امام به آموزش فضایل اخلاقی اصالت داده می‌شود. یعنی در آموزش و پرورش باید طریقی به اجرا درآید که در آن فضایل اخلاقی با برنامه‌هایی برای خودسازی برای تک تک دانش آموزان به اجرا درآید و برای هر فضیلت به عنوان یک درس با برنامه‌های عملی در شخصیت هر دانش آموز ثبت شود و به صورت یکی از ویژگی‌های معنوی به ملکه‌ای پایدار در اخلاق او تبدیل گردد. در سیر و سلوک عرفانی امام برنامه ریزی شرط اساسی است. باید درسی با عنوان ارائه گردد و هر دانش آموز به طور عملی باید در همه عرصه‌های زندگی خود با برنامه ریزی بیاموزد که بدون برنامه به

اهداف خود نخواهد رسید و فرصت‌های ارزشمند و سرمایه اصلی هر انسان که عمر اوست بدون برنامه از دست می‌رود. با پیشرفت‌های چشمگیر فن‌آوری‌های نوین به زودی جهانی واحد و بدون مرزهای کنونی خواهیم داشت که در تعلیم و تربیت نیز اگر دیدگاهی جهانی وجود نداشته باشد، در چنان جهانی دچار غافلگیری و خودباختگی خواهیم شد. یعنی تعلیم و تربیت عقل‌گرای ارسطویی در عرصه جهانی شدن، جایی برای دین و مذهب نخواهد گذاشت و دین را تنها در عرصه شخصی و فردی می‌پذیرد. تعلیم و تربیت عرفانی امام به دنبال زبان مشترک جهانی و معنویت جامعی است که از زبان عشق و محبت کمک می‌گیرد. در تعلیم و تربیت عرفانی امام خودشناسی و درون‌نگری و مطالعه درون وجود دارد. در عرفان به درون اهمیت داده می‌شود و با برنامه‌هایی عملی خودآگاه و ناخودآگاه فردی و جمعی شناخته می‌شود. در تعلیم و تربیت امام معرفت و شناخت برای کمال انسان لازم است. در عرفان یکی از آموزه‌های مبنایی نظریه وحدت وجود است که در آن به خداوند اصالت داده می‌شود و در هستی‌نگاهی وحدت‌گرایانه حکمفرما می‌گردد که انسان در همه ذرات هستی خدا را می‌بیند و به همین دلیل به همه چیز عشق می‌ورزد و معشوق حقیقی را در آنها جستجو می‌کند. برای درک و دریافت حق باید حجاب‌های بیرونی و درونی را از بین برد. برای رفع حجاب‌های درونی راه‌هایی وجود دارد که یکی از آنها خودشناسی است. اگر این موانع درونی و بیرونی برای هر شخص شناسایی گردند، می‌توان آنها را به عشق ورزی در سایه اخلاق عرفانی تبدیل نمود. هر معلم نیز باید با سیر و سلوک عرفانی آشنا باشد و خودسازی کرده باشد تا در تدریس هر درس به جنبه‌های انسانی و الهی آن نیز پردازد. در درس‌های تربیت عرفانی امام وصول به معنویت و عبادت حقیقی است. اینکه سالک را با روح و معنویت دین آشنا سازند، در تعلیم و تربیت عرفانی امام اصالت به کمال جویی داده می‌شود. یکی از راه‌های رسیدن به کمال را مصاحبت با انسان‌هایی می‌داند که به کمال رسیده و نتیجه می‌گیرد. هدف غایی در تعلیم و تربیت عرفانی امام می‌تواند بر محوریت ارتباط با خدا و در قالب مفاهیمی چون قرب (لقاءالله)، محبت، عشق، عبادت، حیات طیبه و... بیان شود.



## فهرست منابع

\* قرآن

۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۰) آداب الصلوة، (چاپ اول) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸ش) تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، (چاپ ششم) تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۳. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۵) تفسیر سوره حمد، (چاپ اول)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۱) تقریرات فلسفه امام خمینی، (چاپ اول) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۰ش) سرالصلوه (صلوه العارفين و معراج السالكين)، ترجمه سید احمد فهري، تهران، پیام آزادی.
۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۲) شرح حدیث جنود عقل و جهل. ترجمه سید احمد فهري، (چاپ هفتم) قم: مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹ش) شرح چهل حدیث، (چاپ بیست و دو)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۲) جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، (چاپ اول) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۶) شرح دعای سحر، ترجمه: سید احمد فهري، (چاپ سوم)، تهران: نشر تربیت.
۱۰. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۲ش) دیوان امام، (چاپ اول)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸ش) ره عشق، نامه‌های عرفانی امام خمینی (ره) به خانم فاطمه طباطبائی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۹) صحیفه امام، (چاپ پنجم) تهران: چاپ نشر و عروج، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۳. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹) صحیفه نور، (چاپ دوم) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،
۱۴. امام خمینی، روح الله، جواهرپور، ناصر، رسولی، جلیل (۱۳۶۹ ش) نقطه عطف، (چاپ چهارم)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. باقری، خسرو (۱۳۷۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، (چاپ اول)، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۶. بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۹۱) «پژوهشی در تدوین فلسفه تربیتی امام خمینی (ره)» تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۷. دیویی، جان (۱۳۴۱) مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش یادموکراسی و آموزش و پرورش، ترجمه: امیرحسین آریان پور، تهران:
۱۸. انتشارات فرانکلین، [بی تا] ۱۳۸۰.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۴) المیزان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی.
۲۰. کشاورز، سوسن (۱۳۸۲) مبانی و اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۱. مدلین، (۱۳۵۳). تاریخ آراء تربیتی غرب، ترجمه ی فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. مصطفوی پور، محمدرضا (۱۳۷۳)، مبانی و اصول تعلیم و تربیت در آثار امام خمینی، مجموعه مقالات گنگره بررسی و آثار تربیتی امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۳. \*مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) تکامل اجتماعی انسان؛ تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مولوی، مثنوی معنوی.